

آشنائی با قرآن ۵۱

خردمندان:

خداوند در آیه ۱۸ زمره ۹ میفرماید:

۱۷
أَفْبَسِرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ، فَيَسْمَعُونَ أَحْسَنَهُ.

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ؛ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ

به آن دسته از بندگان من که به حرفها گوش میدهند و از بهترین حرف پیروی میکنند کرده است.

چنین افرادی که نی هستند که الله (خداوند) به ایشان هدایت کرده و چنین افرادی خردمند هستند.

در این آیه می بینیم که خداوند به افرادی که اهل فکر کردن و اندیشیدن هستند اشاره می کند. کرده اینکه راهشان صحیح است در روش در راه درست را انتخاب کرده اند؛ و

چنین افرادی عاقل و خردمند واقعی هستند. هدایت یعنی راهنمایی داشتن دادن راه صحیح درست نمودن یعنی کردن میباشد ولی معنی نشان دادن هم میدهد.

اه نمائی (راهنمایی) یعنی نشان دادن راه. هدی یعنی هدایت کرد. راهنمایی کرد. راه درست را نشان داد هدیه الله یعنی الله (خداوند) راه صحیح را به ایشان داد.

خداوند در این آیه میفرماید چنین افرادی عاقل و خردمند هستند. یعنی کارهای آنها و روش آنها درست است و عاقلانه کار میکنند مسلمانان واقعی چنین هستند. یعنی به حرفها

گوش میدهند و بهترین سخن را می پذیرند و از آن پیروی میکنند. ولی بارها در تفسیر معنی درست اشتباه میکنند. ولی بارها اشتباه خود را با سخن درست ترفیع میکنند. چون هیچ کس کامل

و دانشمند در دنیا نمی آید. می بینیم علی علیه السلام اول شعبان خلیفه چهارم این است و صحابی بزرگ پیغمبر که در خانه پیغمبر بزرگ شده در وصیت به امام حسن در نامه ۳۱

نوح البراءه میفرماید: إِنَّ أَسْئَلَ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ عَلَيَّ جِهَاتِكَ بِهِ؛ فَإِنَّكَ أَوْلَى مَا خَلَقْتَ، خَلَقْتَ جَاهِلًا، ثُمَّ عَلِمْتَ،

وَمَا لَتَرْتَا جَاهِلًا مِنَ الْأَمْرِ، وَتَحْمِلُهُ رَأْيُكَ... (دو کلمه چیزی از آنها بر تو شکل (بمیدهد) بوده آن را به نادانی خودت حمل کن؛ چون تو وقتی بدانی آمدی و

نادان بدانی آمدی. بعد تو یاد داده شد، و چیزی را نمی که هنوز نمی آتی و زاری (نظر و فکر) تو در آن حیران (تیمور و سرگردان) است چه قدر زیاد است. این نامه ای که علی

علیه السلام به امام حسن علیه السلام در بازگشت از جنگ صفین می نویسد. و امام حسن ع در آن موقع در حدود ۳۵ سال داشته یعنی مردی کامل بوده. چون در موقع رجعت پیغمبر

مذاص اولی که بوده و ۲۵ سال به خلیفه اول خلافت کردند که بشود ۳۲ سال تا زمان خلیفه شدن علی غ و این نامه پس از جنگ صفین که مدتی پس از جنگ

جمل صورت گرفته نوشته شده یعنی در حدود ۳۵ سالگی امام حسن ع. علی غ در خطبه ۲۰ یا ۲۱ نوح البراءه میفرماید: رَأَيْتُ لَسْتُ فِي نَفْسِي لَفُؤَاتِي أَنْ

أُخْطِئُ، وَلَا أَمِنْ ذَٰلِكَ مِنْ نَعْلَمِي. «من خودم را بالاتر از خطف کردن نمیدانم و در کارهایم هم از خطا ایمن نیستم.» تا دیگران چه بگویند و عرف علی علیه السلام قبول فرشته باشد یا نداشت باشد. خداوند در آیه ۱۱۶ تا ۱۱۸ سوره میفرماید: **إِن تَطْعَمُ التُّرْمَنَ فِي الْأَرْضِ، يُضَلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ، إِنَّكَ تَتَّبِعُونَ**

إِلَّا الظَّنَّ، وَإِنَّ هُمُ إِلَّا يَحْزَنُونَ. «اگر از برشته کنی که در زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا (الله) منحرف میکنند، آن فقط از گمان پیروی میکنند، و الا الظن، و این هم الا یحزنون.»

«اگر از برشته کنی که در زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا (الله) منحرف میکنند، آن فقط از گمان پیروی میکنند، و الا الظن، و این هم الا یحزنون.» میفرماید: **مَا يَتَّبِعُ الْكُفْرَ إِلَّا الظَّنُّ، إِنَّا الظَّنُّ لَا يَغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا.** «برشته آنها از گمان پیروی میکنند.

گمان به اندازه ذره ای نشان را از حقیقت بی نیاز نمیکند.» باید تحقیق کرد تا معلوم شود آنچه بنظر رسیده درست است یا نه. نشان را راحت طلب دنبال هستند و از تحقیق

که کار دشواری است گریزان هستند؛ این تفریح را بر تحقیق ترجیح میدهند. بلی از اظهار نظر خود داری نمیکنند. در تفسیر اظهار نظر یعنی که میشود اغلب بی پایه بودن

تحقیق و فقط از روی حدس و گمان صورت بگیرد. حتی در مورد دینی که خود را معتقد به آن معرفی میکنند اطلاعات لازم را ندارند و کتاب اصلی دین خود را مطالعه نکرده اند.

و میکنند در صورتیکه موظف هستند آن را بخوانند و از آن اطلاع کامل و دقیق داشته باشند. چون خداوند در آیه ۳ آخر سوره ۷ میفرماید: **أَتَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ مِنَ**

الْكِتَابِ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ؛ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ. «اگر آنچه از صاحب اختیاران به شما نازل شده (وحی) کتاب مقدس است (قرآن) پیروی کنید؛ و از اولیاء دیگر

پیروی نکنید. عده کمی متوجه این دستور میشوند.» در آیه ۴۴ آمده سوره ۵ میفرماید: **مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ.** «کسی که مطابقتی با

الله نازل کرده (مطابق کتاب الهی) حکم ننهد کافرند.» در آیه ۶۸ آمده میفرماید: **قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْمَ عَلَيَّ شَيْءٌ مِمَّا تَتَّبِعُونَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلَ**

إِلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ. «تو را شایسته است که از صاحب اختیاران به شما نازل شده (توراه و انجیل) اما منم (مطابق آن عمل نکنید) دین نذارید.»

و عیسی مسیح در شماره ۲۱: ۷ انجیل متی میفرماید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید و داخل ملکوت آسمان شود بلکه آنکه اراده بدرد را که در آسمان است بجا آورد.»

در شماره ۲۳: ۱۴ انجیل متی میفرماید: «اگر کسی بر محبت نماید کلام مرا نگاه خواهد داشت.» در شماره ۱۴: ۱۵ متی میفرماید: «شما دست من بستید اگر آنچه

به شما حکم میکنم بجا آرید.» برای اجرای قرآن یا انجیل باید شخص از آن اطلاع کامل داشته باشد. لذا دیدار و فهمی کتاب دینی خود را با کمال دقت برای داشتن احکام و

نظراتی خداوند میخواهد مخصوص که خداوند در آیه آخر سوره نزل سوره ۷۲ میفرماید: **قَارِعُوا مَا تَأْتِيكُمُ مِنَ الْقُرْآنِ.** «تا آنجا که بتوانید قرآن بخوانید.» در آیه ۲۴

مهر سوره ۴۷ میفرماید: **أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَمَلِي قُلُوبِ أَفْعَالُهَا؟** «آیا در آیات قرآن فکر و اندیشه نمیکنند یا پرده با قفل زده شده؟» آسمان و ارضی

تسبیح حکم خداوند است نه نظر و حکم شخص دیگری. در برای اینکه بتوانند تسبیح حکم و نظر خداوند باشد باید از آن اطلاع کامل داشته باشد. لذا کتاب اصلی دین خود یعنی قرآن را میخواند

لذا با مال دجهان خود و تمام امکانات خود عاقبت نه دنیا اتحاد و همکاری کلیه ریزرانان و اصلاح طلبان واقعی در راه اصلاح اجتماع کوشش میکند.
خداوند در آیه ۱۵ سوره حجر میفرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ حَمَلُوا أَمْوَالَهُمْ
وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ.
افراد با ایمان فقط کسانی هستند که به الله و پیغمبرش ایمان آورده و در جهاد شرکت کنند،
و با مال دجهان در راه الله جهاد کردند، چنین افرادی در ادعای ایمان خود صادق هستند.

و خداوند در آیه ۴ صفر سوره ۱۶ میفرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَاءً كَمَا هُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ مَرْصُوعِينَ.
خداوند کسانی را که بپاچه و متحد چون ستونی آهنین در راه او میجنگند دوست دارد.

معنی اصلی
عقلی
برای این
اصول

لایق واقعی میدانند که همه پیغمبران برای اصلاح اجتماع در چنین یک دنیای پاک آمده اند، دنیایی که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و خردشخصیت انسان نیست.
در میدان برای ایثار باید متحد بود و از تفرقه خودداری کرد. و برای ایثار باید به کتاب الهی خود تکیه کند و هیچکس را شریک خداوند خود سازد. همانطور که

خداوند در آیه ۵-۱۰۳ آل عمران سوره ۳ میفرماید:

لَا تَدْرُسُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ.
مثل کسی در پس از اینکه دلیل برای روشن برای آنها آمد و تفرقه و جهل و خردشخصیت شدند نباشید.

وَأَقْبِلُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

تصهیر (انضمام)
رشته کلفت

همگی به رشته الهی (قرآن) بچسبید و تفرقه نداشتید.

مسلمان واقعی تسلیم دستور خداوند است و از تفرقه و اختلاف فریزان است. چون میدانند چنین دنیایی که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و خردشخصیت انسانها
شما عیبها را به همفکری و همکاری و هماهنگی تمام ریزرانان و اصلاح طلبان واقعی جهان دارد و اختلاف و تفرقه از این همکاری همگانی جلوگیری میکند.

آشنائی با قرآن ۵۲

درستکاری:

خداوند در آیه ۲۶ لقره سوره ۲ میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ،

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا

فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

کسی که ایمان آوردند (مسلمانان) و یهودیان و مسیحیان و صابئین،

بطور کلی کسی که به الله در روز آخرت ایمان آوردند و کار درست کردند،

پادشاهان پیش خداوندشان محفوظ است نه ترس می دارند نه غمی می

این نظر خداوند در قرآن است و مسلمان واقعی کسی است که بنظرهای خداوند که در قرآن است ایمان و اعتماد کامل دارد و تسلیم آن است. چون میداند خداوند خدای است.

در روایت دیگری میگوید درست دهن است. خداوند در آیه ۶۹، سوره ۵ نیز این نظر را تکرار میکند. چون میدانیم پیغمبران برای اصلاح اجتماع و جلب عدالت

در برابر جهان آمده اند. همانطور که آیه ۸۸ سوره ۱۱۰ آیه ۲۵ حدیث سوره ۵۷ میفرماید: شعیب پیغمبر خداوند گفت: «مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْتُمْ بِكُمْ

عَنْهُ، إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَعْتَفْتُ، وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ.» در آیه شماره ۱۱۰ از آن نبی میگفت هر مخالفت با شما را ندارم، من چیزی غیر از اصلاح

آنهم با آنجا که بتوانم نمیخواهم. در موفقیت من در اینکار با الله (خداوند) است. «و خداوند میفرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ،

لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ.» «و ما و تحقیق پیغمبران را با دلیل های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و سنجش نازل کردیم، برای اینکه مردم عادل باشند.» و عدالت

خداوند در آیه ۱۸ سوره بقره میفرماید:

و ما یباید دارند و دنیا بی بزند در آن اثری از ظلم نباشد.»

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

کسی که ایمان آوردند و عمل درست کردند اهل بهشت هستند همیشه در آن میمانند

این نظر خداوند است و مسلمان واقعی به آن ایمان کامل دارد. چون میداند هر پیغمبران برای اصلاح اجتماع آمده اند و اصلاح اجتماع تنهاج به کار درست و درستکاری افراد اجتماع دارد.

در آیه ۲۹ شعراء به موسی میگوید:

لَيْسَ أَخَذْتَ الْهَامِ عِزِّي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمُنْجَرِّينَ

اگر عبودی غیر از من بگیری تو را از زنادانی میزنم.

دست دوم ملا با اشرفیاد در بیان هستند که خداوند در باره آنها در آیه ۱۲۷ اعراف سوره هم فرماید:

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَنْذَرْتُمْ مَوْسَى وَقَوْمَهُ لِيَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَبِذَكَرٍ الْهَمَلِ؟

اشرف قوم فرعون گفتند آیا موسی و قومش را واداریداری که در زمین فساد کنند و تو و خدا یان تو را ترک کنند؟

چون میگفتند این با حرفهای خود در دستهای ایجاد میکنند مردم بجان هم می افتند و نظم جامعه بهم میخورد. آیه ۶۰ و ۶۶ و ۷۵ و ۸۸ و ۹۰ و ۹۱ اعراف را هم نگاه کنید.

خداوند در باره لشکریان فرعون (حکومت) در آیه ۳۹ قصص در آیه ۱۸ هم فرماید:

لَتَسْتَلْبِزَّهُمْ وَوَجِبُودَهُ فِي الْأَرْضِ بِعَارِ الْحَقِّ

فرعون و لشکریانش بناحق خود را در زمین بزرگ پندارند.

در باره شردمندان (مشرکین) در آیه ۳۴ مابا سوره هم فرماید:

مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

در هیچ شهری هشدار دهنده ای نفرستادیم مگر اینکه شردمندان آن گفتند: ما را کسی که شما را بفرستاد قبول نداریم.

در باره روحانی نما (چهاروجهان) در آیه ۳۴ توبه سوره هم فرماید:

إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَجْبَارِ وَالرَّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبِاطِلِ وَيُصَدِّقُونَ سَبِيلَ اللَّهِ

عده زیادی از دشمنان دینی و زاهدان در بین مال مردم را بناحق میخورند و مردم را از راه خدا باز میدارند.

در باره فریب خوردگان در آیه ۶۰ انعام سوره هم فرماید: كَذَّبَ بِهِ قَوْمٌ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِكَلِيمٍ

قوم تو قرآن را تذبذب کردند، در صورتیکه حق است، بگو من در این باره شما را خبر نمیکنم.

آشنائی با قرآن ۵۳

مخالفت:

خداوند در آیه ۲۱۷ بقره سوره ۲ میفرماید:

لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدَّكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَقَاتُوا.

همیشه با شما می‌جنگند تا اگر توبه نکنید شما را از دینتان برگردانند.

این جنگ دائمی همیشه به بطور آشکار چه پنهان بین قدرت طلبان و قدرتمندان دهری پرستان از یکطرف و دینداران و کتبا پرستان واقعی از یکطرف در سراسر دنیا وجود داشته دارد و تا وقتی که دینداران و کتبا پرستان واقعی توبه نکنند ادامه خواهد داشت. کتبا پرستان واقعی باید متوجه شوند که در راه نشاندن واقعی توبه خود را با دین واقعی و هدف عالی آن آشنا کنند. یعنی با آموختن آنکه دین آمده که دنیایی با کثرت بسیار که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و فرود آمدن شخصیت آن نباشد. در ما توبه کنندگان؛ طبیعتاً طاغوت و طغیانگر و بنده هواهای نفسانی و شیطان هستند فقط به اندازه قدرتی که دارند می‌توانند چون

خداوند در آیه ۶۷ بقره سوره ۲ میفرماید:

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ

انسان چون خود را بی نیاز بداند حتماً طغیان میکند.

می بینیم که آیه آشنائی هم ندارد. لذا تا آن دیندار واقعی شود و متوجه به خدا و روز آخرت نشود و خود را در مقابل خداوند مسئول نداند چون بقدرت برسد طغیان میکند. دینداران واقعی همیشه خود را نیازمند کار درست (عمل صالح) و عامل واقعی بودن میدانند تا بهشت جاوید را از دست ندهند و به جهنم نروند. این مخالفان عرسته هستند که عبارتند از حکومت؛ یعنی کسی که به قدرت رسیده اند. درباریان یعنی دار و دسته ای که حکومت را بقدرت رسانده اند و پشتیبان و حامی آنها هستند. مردمی که ثروت به آنها قدرت خبی کار را داده و روحانی نمائی که مردم به آنها اداست دارند و هر حکمی که بنام دین بکنند ارادتمندان اجرا میکنند و جیره خواران و فریب خورده گان آنها. خداوند درباره

در آیه ۲۴ تا ۲۷ بقره سوره ۲ میفرماید گفت:

فرعون که منظر حکومت است

أَنذَرْتُكُمْ الْآخِرَةَ

من صاحب اختیارم فوق شما هستم.

آشنائی با قرآن ۵۴

مخالفت‌ها:

خداوند در آیه ۲۱۷ بقره سوره ۲ میفرماید:

لَا يُزَادُكَ لِقَاءُ بَنِيكَمْ حَتَّىٰ يَرْدُوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا

همیشه با شما می‌کنند تا اگر بتوانند شمار از دینتان برگردانند.

این جنگ همیشه وجود داشته و دارد و خواهد داشت تا وقتی که دینداران واقعی باشند حق دین واقعی با هم متحد شوند و سعی کنند کلیه ازار بشر را با دین واقعی آسان کنند.

این جنگ بصورت‌های مختلف وجود داشته و دارد و خواهد داشت از قبیل تحقیر، ایجاد شک، امت، تمهید، آزار، قتل، جنگ و تحریف.

خداوند باره تحقیر در آیه ۴۱ فرقان سوره ۲۵ میفرماید:

إِذَا رَأَوْكَ إِتَّخَذُواكَ إِلهًا هَرَبًا، أَلَمْ يَكُنْ لَكَ آيَاتٌ أَنْ تُرْسِلَ رَسُولًا

وقتی تو را ببینند تو را می‌گیرند که آیا این کسی است که خداوند به سالت فرستاده؟

خداوند در آیه ۱۰ انعام سوره ۶۰ آیه ۴۱ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ، فَجَاءَ بِالذِّينِ مَكْرًا مِّنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

پسیران قبل از تو مسخره شدند، در نتیجه همان چیزی که مورد استهزاء آنها بود دامن کنی را که آن را مسخره میکردند گرفت.

خداوند باره ایجاد شک در آیه ۷۸ پس سوره ۳۶ میفرماید:

هَرَبْنَا مُنَادِيًا ذَرْبًا، قَالَ مَن مِّنْكُمْ عَلَى الْعِظَامِ وَهِيَ عِظَامٌ

برای ما مثل زرد و خلقت خودش را فراموش کرد گفت این سخنان ای پسر، را چه کسی زنده میکند؟

خداوند در جواب در آیه ۷۹ پس سوره ۳۶ میفرماید:

قُلْ كَيْسًا لَّالَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ، وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

بگو آنهارا همان کسی زنده میکند که او این بار آنها را بوجود آورد. او هر نوع خلقی را میداند.

خداوند در آیه ۱۵ سوره بقره میفرماید:

قَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ إِنَّا لَنَجِدُونَ

گفتند ای کسی که کتاب بر تو نازل شده تو دیوانه ای.

خداوند در آیه ۱۰ سوره بقره میفرماید:

يَا قَالُوا أَضْعَافٌ أُضْعَافًا، بَلْ أَتَيْنَاهُ بِبَلَدٍ مَّشْهُورٍ

گفتند خوابی است گفتند ای است یا خود ادھر هم کرده، بلکه او شاعر است.

خداوند در آیه ۲۴ سوره بقره میفرماید:

إِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلْ رَبُّكُمْ، قَالُوا أَطِيعُوا أَوْلَادَكُمُ

وقتی به آنها گفته شود چه خبرتان چه چیزی نازل کرده میگویند که ما تنها فرزندان خود را اطاعت میکنیم.

سابق آیه ۲۴ سوره بقره ۲۳ «اشراف قوم نوح گفتند: او سخنی مثل شماست، بخوانید چیزی بر او نازل کند.» در سخن درباره موسی در آیه ۳۵ سوره بقره میگوید: «موسی بخوان یا سحر خوش

شماره از سر زمین خودتان بیرون کنید.» در آیه ۷۸ بقره میگوید: «آیا آمده ای که ما را از روی که در آنان بر آن بودیم منحرف کنید و عظمت ما را بشوید.»

خداوند در آیه ۱۰۳ سوره بقره میفرماید:

لَقَوْلِهِمْ إِنَّا كُنَّا بَشَرًا مِثْلَهُمْ، لَيْسَ الْبَشَرُ الَّذِي يُلْقِي دُونَ إِلَهِهِ أَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ

میگویند کسی قرآن را با او یاد داده، زبان کسی که میگوید اینکار را کرد (عربی) است در مورد قرآن به زبان عربی است.

خداوند در آیه ۴۶ سوره بقره ۱۱۶ «اشراف بقره ۲۶ درباره آنچه با ابراهیم نوح دلو ط گفتند میفرماید: «پروردگرم به او گفت اگر از خدا (معبود) است ای امن روگردان باشی تو را

سنگ بزنیم.» و گفتند ای نوح اگر از این حرف است بر مناری سنگ نخواستی شد.» «ای اولاد که از این حرف است بر مناری از شهر اخراج میشوی.» در آیه ۲۱ آل عمران سوره میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِالْآيَاتِ اللَّهِ وَالْيَعْلُونَ النَّبِيَّ، وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِالْقِسْمِ الَّذِي يَلْفِظُهُ عِبَادُ اللَّهِ

بک کسی که کفر آیات خدا میشود و پیغمبران و کسی را که امر بقرت میکند و با حق میگوید، شرده عزیزی در دنیا ک را بدو.

خداوند در آیه ۵۹ بقره سوره ۲ میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا آتَانَا مِنْ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ، مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ،
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَلْعَنُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ.

کلی که دلایل روشن در اینهاست یعنی بر آنکه ما نازل کردیم، بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب بیان کرده ایم پنهان میکنند،
افراد هستند که الله و تمام لعنت کنندگان آنها را لعنت میکنند.

بزرگترین جنایت و بغایت را به افراد است که نمی کرده اند که حقایق دین در کتاب الهی را پنهان کرده اند و به مردم گفته اند یا بدانند که از راه و آرایش فکری و سعادت
دافعی محروم کرده اند. چون دین آمده است که دنیای بی بازرگ از ظلم و فساد و فقر و جهل و خردش را شخصیت انسان در آن اثری نباشد. و خائنینی که این
جایست را کرده اند این در از ربه ان به چنین دنیای در میدان سعادت و انقی محروم کرده اند. به جرم و جنایت و جنایتی بالاتر از این میشود تصور کرد؟ جنایت و جنایتی
بسیار و وسیله را داشته باشد و شرع داده تا از زمین را ضراب کرده و ناموس را را به یاد داده است.

راه جنایت:

خداوند در آیه ۶۰ بقره سوره ۲ میفرماید:

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُ فَادْلِكِ اللَّهُ أُولَٰئِكَ آتُوا عَلَيْهِمُ وَأَنَا التَّوَابُ الرَّحِيمُ.

غیر از آن که از این کار دست برداشته و توبه کردند، من توبه آنها را می پذیرم. چون من توبه پذیرم همان استم.

همه کسانی که حقایق در اینهاست یعنی که خداوند در کتاب خود برای مردم بیان کرده پنهان میکنند ملعون هستند مگر آن که از این جنایت بزرگ دست بردارند و حقایق
کتاب الهی را برای مردم بیان کنند و به آنها بگویند که همه پیغمبران پیغمبر خدا هستند و همه آنها برای این فرستاده شده اند که مردم عادل و صالح و نیکوکار باشند و
شخصیت خود در دیگران را محترم دارند و دنیای بی بازرگ در آن نه شخصیت آنها مورد امانت قرار گیرد و خرد شود نه شخصیت دیگران و در آن ظلم و فساد صورت بگیرد
گرسنگی شب را صبح کنند. و به آنها نماند که سخن چنین دنیای بی بازرگ به شایسته دین دافعی و بازگشت به کتاب الهی در کدام همه دیدار آن همان در باال دجان خود
کنند چون سوزنی آهنین مبارزه کردن دارد و بس. و به این حقیقت آشن شوند که سخن چنین دنیای بی بازرگ و شکار لازم دارد و کار یک سال نیست.



خداوند در آیه ۱۶۱ بقره سوره ۲ میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَمْوَالُهُمْ كَقَارٍ أَولَئِكَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

کسی که حقیقت کتاب الهی را پنهان کردند و در چنین حالی مردند افرادی هستند که لعنت خداوند تمام فرشتگان و مردم بر آنها است

این نظر خداوند است و خداوند نه اشتباه میکند نه دروغ میگوید. کسی که حقیقتی که در کتاب الهی است پنهان میکند و مردم را گمراه میکند لعنت است و فرشتگان آنها را لعنت میکنند و تمام کسانی که در اثر ظلم و فساد فخر میکنند و با فریاد جبر خدایان میشتند و نه استیجاب میگویند که بسبب اینکارش لعنت میکنند.

خداوند در آیه ۱۶۲ بقره سوره ۲ میفرماید:

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخَفُونَ عَذَابَ اللَّهِ وَهُمْ يُنظَرُونَ

همیشه در این لعنت خواهند بود و عذاب آنها تخفیفی پیدا نمیکند و با آنها مهلتی داده نمیشود.

لعنت یعنی دور بودن از لطف و رحمت خداوند. همانطور که می بینیم عذاب آنها ابدی است و کوچکترین مهلتی با آنها داده نمیشود که لحظه ای از عذاب نجات یابند چون حیوانی که آنها کرده اند میکنند تا ابد و تغییر هیچ افزایش پیدا نمی کند و کوچکترین ظلم و فساد فخری که در جهان وجود داشته باشد نتیجه خیانت این افراد است.

خداوند در آیه ۱۷۴ بقره سوره ۲ میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَلْمُؤْنَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَسْتَوْدُونَ بِهِ تَمَنَّا بِلِلَّاهِ

أولئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

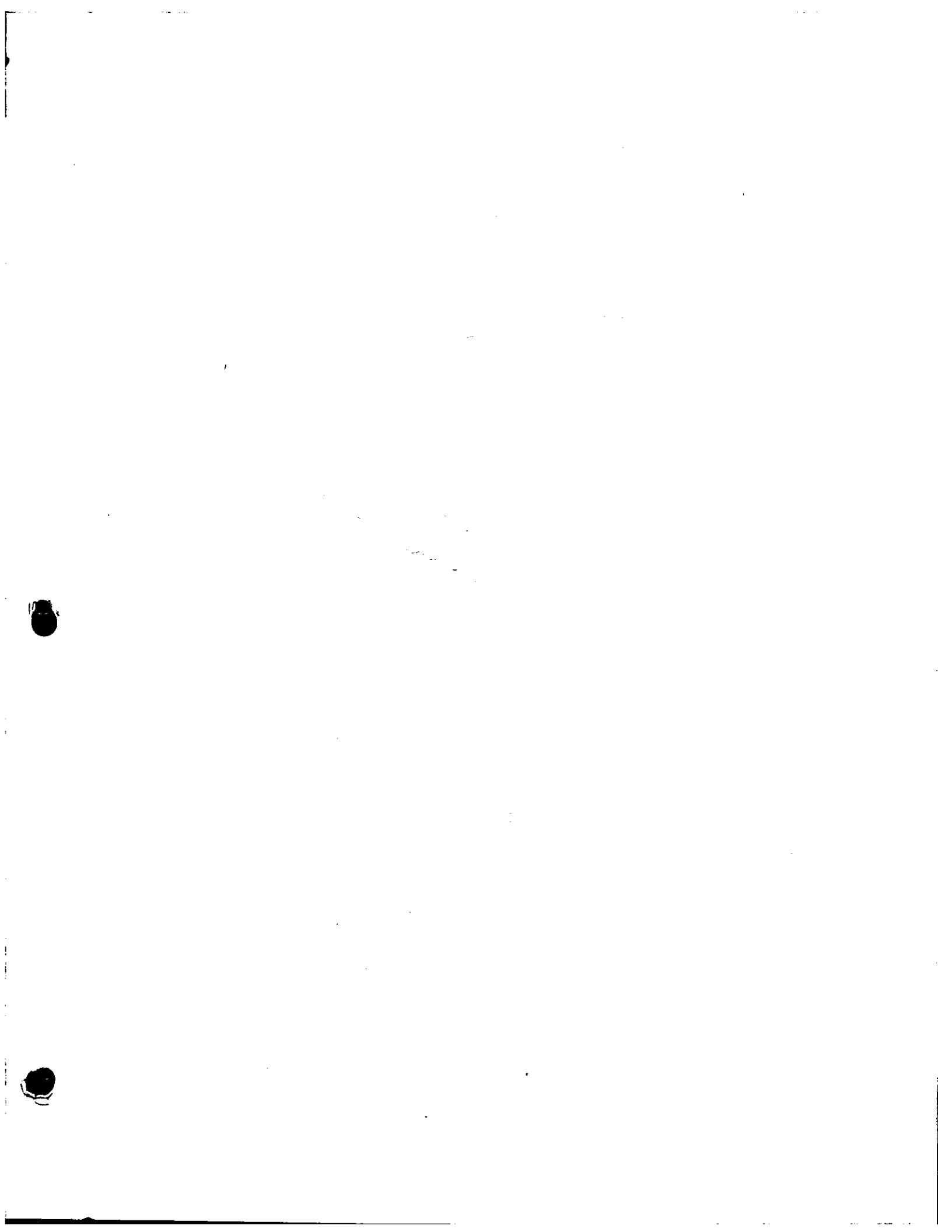
کسی که کتاب الهی که الله فرستاده پنهان میکند، و آن را به قیمت با چیزی میفروشند،

افراد می هستند که آتش بیشکم خود میروزند. الله روز قیامت با آنها حرف نمیزند و پاکشان نمیکند و عذاب دردناکی دارند.

پولی که این افراد از این راه بدست می آورند آتشی است و هر چه با آن بخزند و بخورد آتشی است که میخورد و بشکم خود میفروشد. چنین افرادی روز قیامت مورد توبی

خداوند قرار نمیگیرند و خداوند با آنها توبی نمیکند و با آنها حرف نمیزند. چنین افرادی همانطور که خداوند میفرماید عذاب دردناکی دارند. آیا پول و مقام و شرفی که از این

راه بدست می آورند در مقابل عذاب ابدی دردناک ارزشی دارد؟ مسلماً ارزشی ندارد و به سعادت و خیر و فردوسی است.



در آنگاه بر سر عقل میاید آنگاه آنگاه
 و در کتب معتبره برای انتم میاید

آشنائی با قرآن ۵۶

داوری کتاب الهی :

خداوند در آیه ۲۳ آل عمران صوره ۳ میفرماید :

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ آذَوْا نَهْيَآئِ مِنَ الْكُتُبِ يَدْعُونَ إِلَى الْكُتُبِ اللَّهُ لِيُحْكِمَ بَيْنَهُمْ، ثُمَّ يَقُولُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مَعْرِضُونَ.

آیا گمانی را که بهره‌ای از کتاب به آنها داده شده بود ندیدی که از آنها دعوت می‌شود که کتاب خدا (الله) بین آنها داری کند،
 ولی بعد از آنکه از آنها از اینکار خود داری می‌کنند و از قبول این داری اوگردان هستند.

اگر کسی دقت کنید بیشتر کنی که ادعای دینداری می‌کنند از قبول حکم و نظر کتابی که خودش ان معنی هستند که آن را قبول دارند و از آن پیروی می‌کنند خود داری می‌کنند.
 چون مطالب بی پایه و بی اساسی را بنام دین در این کتاب به آن کتاب خوانده اند و در اثر بی اطلاعی از کتاب نبی خود آن را بنام دین پذیرفته اند. ولی در صورتیکه
 از کتاب دینی خود پیش حکم الهی عاقبت بدست آورده اند زیرا بار داری آن نمی‌خوانند چون پیش حکم بی پایه و بی اساس بودن اعتقادات خود پی برده اند. چون همانطور که
 در لسان طبری در آخر صفحه ۷۴ و اول صفحه ۷۵ کتاب «اسلام و جمالیات واقعی بر عصر» می‌نویسد: «یک عده مزدور ماره پرست که مورد ارادت عامه مردم بودند در تاریخ
 بنی و حقیقت شناسی را از مغزهای آن بیرون کشیده و با تزئین و تزیین یک بسته افکار است و داهی و بی اثر تر گزشتن کردند.» و این افکار است و داهی و بی اثر دین نمی

اجتماع شده و علوم مردم آن را دین می‌نامند و عرفی که غیر از آن باشد موی دیگوس و بیعت می‌نامند. همانطور که آیه الله مطهری در خطبه آخر صفحه ۱۸۴ کتاب
 «بحثی درباره بر حقیقت و روحانیت می‌نویسد: «در علوم هر تازه ای را بدعت یا هوی دیگوس می‌خوانند.» آنها از داری کتاب الهی روگردانند ولی :

خداوند در آیه ۴۴ و ۴۹ صوره مفرماید :

مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ.

کسی که مطابق با انزال الله (دعوی) کتاب الهی حکم نکند کافر هستند.

وَإِنْ أَحْكَمْتُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَسْمِعُوا هُوَ أَحْوَأَهُمْ وَأَعْدُوَهُمْ أَنْ يَقْبَلُوا مِنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ.

میں آنها مطابق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از دشواری آنها پیروی مکن و مواظب باش که تو را از بعضی چیزهایی که خدا بفرستد نپذیرد.

آيات زير را معني كنيد و علت اعراب آن را بيان كنيد.

كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله . والله مع الصابرين . لقد كان في قصصهم عبرة لادلى الالباب . لا يزالون يقاتلونكم

برددكم عن دينكم ان استطاعوا . اعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم واخرين من دينهم ، لا تعلمونهم ، الله

يعلمهم . وعد الله الذين امنوا منكم وعملوا الصالحات ، يستخلفهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم ، ويمثلن لهم دينهم الذي ارتضى لهم . و

ليبدلهم من بعد خوبهم امناً . انا جزاء الذين يجادلون الله ورسوله ويسعون في الارض فساداً ، ان يقتلوا او يصلبوا ، او تقطع ايديهم وارجلهم

من خلاف ، او ينفوا من الارض . الم تر الى الذين يزعمون انهم امنوا بما انزل اليك وما انزل من قبلك ، يريدون ان يتحاكوا الى الطاغوت

وقد امروا ان يكفروا به . ويريد الشيطان ان يضلهم ضلالاً بعيداً . افترموني ببعض الكتاب وتكفرون ببعض . فما جزاء من يفعل ذلك منكم الا ان

تخزي في الحياة الدنيا ، ويوم القيمة يردون الى اشد العذاب . بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن ، فله اجره عند ربه ، ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون .

الم تر الى الذين ادعوا نصيباً من الكتاب يدعون الى كتاب الله ليحكم بينهم ، ثم يقولون فترين منهم وهم معرضون . شرع لكم من الدين ما وصى به نوحاً ،

والذي اوحينا اليك ، وما وصينا به ابراهيم وموسى وعيسى ، ان اتبعوا الدين ، ولا تتفرقوا فيه ، كبر على المشركين ما تدعوهم اليه ، الله يجتبي اليه من

يشاء ، ويهدي اليه من يشاء . لكل جعلنا منكم شرعة ومنهاجاً ، ولا يشاء الله ليجعلكم امة واحدة ، ولكن ليلبسكم فيما اتاكم ، فاستبقوا الخيرات .

قولوا امنا بالله ، وما انزل بالينا ، وما انزل الى ابراهيم واسماعيل واسحق ويعقوب والاسباط ، وما ادنى من ذلك ، وما اتى النبيون من ربهم ، لا نفرق

بين احد منهم ، ونحن له مسلمون . لا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن - الا الذين ظلموا منهم - وقولوا امنا بالذي انزل الينا وانزل اليكم

والهنا واليهما واليهما واحداً ، ونحن له مسلمون . قل يا اهل الكتاب لستم على شيء ، عسى يعطى التوراة والانجيل وما انزل اليكم من ربكم . وليؤيدن

كثيراً منهم ما انزل اليك من ربك صخياً ذليلاً . انا انزلنا التوراة ، فيه هدى ونور ، يحكم بها النبيون الذين اسلموا ، للذين هادوا ، والربانيون

والاجبار بما استحفوا من كتاب الله . وكانوا عليه شهوداً ، فلا تخشوا الناس واخلشوا الله . ولا تشعروا باياتي غمفاً قليلاً . ومن لم يحكم بما انزل الله فذلك

هم الكافرون . لكل جعلنا منكم شرعة ومنهاجاً ، ولا يشاء الله ليجعلكم امة واحدة ، ولان ليلبسكم فيما اتاكم ، فاستبقوا الخيرات . وفتينا محلي

اشائهم بعيسى ابن مريم مصداقاً لما بين يديه من التوراة ، واديناه الانجيل فيه هدى ونور ومصداقاً لما بين يديه من التوراة ، وهدى ومغطة للمتعبين

خداوند ربّانیه ۷۹ بقره سوره ۲ میفرماید:

قَوْلٌ لِلَّذِينَ يَلْتَبِئُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ،
 ثُمَّ يَقُولُونَ: هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا؛
 قَوْلٌ لَهُمْ مِمَّا كُنْتُمْ آيْدِيهِمْ وَيُؤْتَلُّ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ.
 وای برک نی که بادست خویشان کتاب نوشته،
 بعد میگویند این از جانب الله است تا آن را بهای کمی بخرند؛
 وای بر آنها، بخاطر آنچه با دستهای خود نوشته و وای بر آنها از آنچه بدست می آورند.

فریکاران دکاندار برای بدست آوردن پول ناچیزی یا بدست آوردن شهرت و مقامی دین خداوند را بیبازاری میگیرند و بنام دین مطالبی میسرهم میکنند و میفروشند و مردم بی اطلاع از کتاب الهی روی حسن ظن آن را می پذیرند، چون گمان میکنند آنچه اینها نوشته اند حقایق دینی است، و آن را با حسن نیت بنام دین به این دکان میفروشند و آینه گمان این حرفها در گفتار و نوشته های خود نقل میکنند و ملاک و معیار دین برای سلسله ای بعد از آن میشود. کمی فکر کنید که کم شخص است که همه جا حاضر باشد و وفایعی که اتفاق می افتد ببیند و کدام حافظه ای است که آنچه میشود بدون ذره ای کم و زیاد بازگو کند. خداوند میفرماید اینکار را برای این میکنند که آن را بهای کمی بخرند. آیه الله مطهری در صفحه ۱۸۴ و ۱۸۵ کتاب «تجلی در باره مرجعیت و روحانیت» تحت عنوان «علوم زدگی» میفرماید: «آفتی که جامعه روحانیت را فراغ کرده و از یاد آورده «علوم زدگی» است... این آفت عظیم معلول نظام مالی ما است... حکومت عوام نشأ در اوج بی حد و حصر ریا و مجامله و تطاهر و گمان حقایق و آرایش قیافه و پرداختن به هیکل و تشویع و نمازین بالا بلند در جامعه روحانیت، ماشده ۴ و در صفحه ۱۹۱ و ۱۹۲ آن میفرماید: «کار معیشت را نمیتوان ساده گرفت. یک کرن، ماسی چیست است... یک نفر روحانی متدین... در حال حاضر راه زندگی منفرات این است که از دست مردم مستقیماً آرزو نکند. ناچار است که بر مردمان خود بچشم «مستغل» نگاه کند.» لایزال اسم املاک و منغلات را شنیده اید. مستغل ملکی است که در آمد مانده بنام اجاره دارد.

آيات زيرو معنى كنيده و علت اعراب آن را بيان كنيد .

يا ايها الذين امنوا كونوا قوامين بالقسط ، شهيدون لله ، ولعلى انفسكم ، او الوالدين والاقربين
كونوا قوامين لله شهيدون بالقسط ، ولا يحرمكم شركان قوم على الا تعدوا ، اعدوا هو اقرب للتوى ، والقول الله ، ان الله خير بما تعلمون . اذا فعلوا فاحسبه ،

قالوا حينئذ عليه ايماننا ، والله امرنا بها ، قل ان الله لا يامر بالفحشاء ، اتقولون على الله ما لا تعلمون ؟
والاحسان واتباء ذى القربى ، وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى ، اذا قلتم يا عدوا ، ولو كان ذا قربى . ان الله يامركم ان تودوا الامانات الى

اهلها ، واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل . لا تقبلوا النكس التى حرم الله الا بالحق . كتبنا على بنى اسرائيل انه من قتل نفسا بغير نفس او
فساد في الارض فكأنما قتل الناس جميعا . لاننا كنا الاموال لكم بينكم بالباطل وقد لو اربها الى الحكام ، لتاكلوا فرقان من اموال الناس بالباطل

لا يستعملون قوم من قوم . ولا تلمزوا انفسكم ولا تهازوا بالالقاء . اجتنبوا ايترا من الظن ، ان بعض الظن اثم ، ولا تجسسوا ، ولا يغتب بعضكم بعضا .
ان جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا ، ان تصيبوا قوما بجهالة فتصيبوا عدلى ما تعلمون فادميين . اذا تلفقوه بالسنيتم وتقولون بافواههم ما ليس لكم به علم ، و

تحسبونه هينا ، وهو عند الله عظيم . اذا ذكروا الله رعدوا وهم الذين لا يؤمنون بالآخرة ، واذا ذكروا الذين من دونه اذا هم يستبشرون .
قالوا اجئتنا بغيدا لله وحده ، وقد رما يعبد اباؤنا ، فانا بما نعدنا ، ان كنت من الصادقين . اتخذوا افعالهم ورجائهم اربابا من دون الله ،

والسبح ابن مريم ، وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا ، لا اله الا هو ، سبحانه عما يشركون . ما كان للبشر ان يؤتوه الله الكتاب والحكم والنبوة ، ولكن كونوا
ربانيين بما كنتم تعلمون الكتاب ، وبما كنتم تدرسون . اذا قال الله يا عيسى ابن مريم ، اءانت قلت للناس اتخذوني وامى الهين من دون الله ؟ قال

سبحانك ما يكون لى ان اقول ما ليس لى بحق . ان كنت قلته ، فقد علمته ، تعلم ما فى نفسى ، ولا اعلم ما فى نفسك ، انك انت علام الغيوب .
ما قلت لهم الا ما امرتني به ، ان اعبدوا الله ربي وربكم ، وكنتم عليهم شهادا ما دمت فيهم . قلما توقيتني كنت انت الرقيب عليهم .

وانت على كل شىء شهيد . قل انما انا بشر مثلكم ، يوحى الى انما الهكم اله واحد ، فمن كان يرجو لقاء ربه ، فليجئ محمدا صالحا ، ولا يشرك
بعبادة ربه احدا . ما يؤمنون الا بالله الا وهم مشركون . قل انما يوحى الى انما الهكم اله واحد ، فهل انتم له مسلمون ؟

از پیوسته
لواح

آشنائی با قرآن ۵۸

کتابخانه فریکار:

خداوند آیه ۱۱۷ آل عمران سوره هم فرماید

إِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْفَبًا لِيُكْفِرُوا بِاللَّهِ الَّذِي فَطَرَهُمْ وَمَا هُمْ بِمُعْذِرِينَ ۗ

وَمَا هُمْ مِنَ الْكٰتِبِ، وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ، وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ

وَيَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكٰذِبِ، وَهُمْ يَعْلَمُونَ

عده ای از آنها طوری زبان را در زبان به کتاب میگردانند که نشانی از کتب الهی است،

در صورتیکه از کتاب الهی نیست، میگویند این حرفها از جانب خداست، در صورتیکه از آنست،

از قول الله دروغ میگویند و خوششان ام این را میدانند.

باید بداند که از دکان فریکار دینی هستند که دین را وسیله رسیدن به پول و مقام و شرف است. خداوند این فریکاران نخرانان امیری هستند که مثل یک کتور کامل کار

میکند. طوری صحبت میکنند که مردم خیال کنند از کتاب الهی صحبت میکنند. اگر برای یهودیان صحبت کنند در صحبت و سخنانی خود جهت عبری یا سریانی میگویند و اگر برای مسلمانان

صحبت کنند جهت یونانی و لاتین در سخنان خود می آورند. و اگر برای مسلمانان صحبت کنند جهت عربی در سخنان خود می آورند که مردم خیال کنند تمام سخنان مربوط به کتاب

الهی است. و میگویند که این حرفها از جانب خداوند کتاب الهی و کلام الله مجید و دین است در صورتیکه از دین و کتاب الهی نیست و خوششان هم این مطلب را میداند. اولی

مردم بی اطلاع با حسن ظنی که به آنان دارند فکر میکنند که حرفهای آن از کتاب الهی و کلام وحی خداوند است و آن را با حسن نیت کامل برای این دین بازگو میکنند و کم

زینندگان آمار را بنام صحابی دینی در کتاب خود می نویسند. و کتاب آنها در قرن های بعد ملاک معیار شناخت دین میشود و حرف خدایان بدست شناخته میشود. بخت حرفی

یا عملی است که بعد از پیغمبر من بنام او در دست می آید. همانطور که علامه طباطبائی در صفحه ۴۲۷ جلد پنجم تفسیر المیزان می نویسد: «در زمان عمر ابن عبدالعزیز هم دستور داده شد که

احادیث را بنویسند. اهل حدیث تا آنوقت احادیث را نمی نوشتند و تنها با حافظه خود کار میکردند.» با توجه به اینکه حافظه انسان خطا کار و ضعیف است و فرقی که آنرا از دینی

ره فراموش میکند معلوم است با گذشت چند سال چه روز حدیث می آید و نویسد. صحیح بخاری قدیم ترین کتابی است که در سال ۱۵۶ هجری از دنیا رفته و محمد ابن یعقوب کلینی

رسال ۲۲۸ یا بقول دیگر سال ۳۲۹ ہجری لڑیاریافتہ است . بانوجہ بہ امکانات تحقیقی آن زمان کہ یہ محدود و محدود معلوم ہے بہ روز احادیث آمدہ و چھدریتوان بہ آن اعتماد نہت . آیت اللہ ہشتی در کتاب "روش برداشت از قرآن" در صفحہ ۴۵ میگوید: "بہر حال آیت اللہ بر وجودی در تدیس فقہت ان مکرر و مکرر روی روایات کافی

بحث میگردند . روایاتی را در دستگیرند در ادبی و انکار می زنند . در خود کافی روایات متضادی بہت ، ما چاریم عدہ ای از آنها را کنار میزنیم . در صفحہ ۴۵ تا جلد کافی چاپ . احادیث عجیب و غریبی وجود دارد کہ با قرآن کامل خلاف دارد و باید دور انداختہ شود .

این آیات را معنی و علت اعراب آن را بیان کنید:

لقد بعثنا في كل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت . الذين اجتنبوا الطاغوت ان يعبدوها ، وانا بوا الى الله ، لهم البشري .

من يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى ، لا انفصام لها . الم تر الى الذين ادتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون بالجحيت والطاغوت ؟

فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه . اولئك الذين هديهم الله ، واولئك هم اولوا الالباب . فويل للذين يكتبون الكتاب بايديهم

ثم يقولون : هذا من عند الله ، ليشتره انا قليلا . ارايت من اتخذ الهه هواه ؟ افانت تكون عليه ذكيا ؟ ان منهم لفرقا يلون السنتهم

بالكتاب لتحسبوه من الكتاب وما هو من الكتاب ، ويقولون هو من عند الله ، وما هو من عند الله ، ويقولون على الله الكذب ، وهم يعلمون .

ان الذين امنوا والذين هادوا والصابئين ، من امن بالله واليوم الآخر وعمل صالحا ، فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون .

لئن اتخذت الهاء غيري لاجعلنك من المسجورين . قال الم لا من قوم فرعون ا

تذمر موسى وقرينه لفسيدا في الارض ويدرك والحقك ؟ يا ايها الذين امنوا ان لا تبوا

من الجبار والرهبان لياكلون اموال الناس بالباطل وليصدون عن سبيل الله . قالوا يا شعيب اصلوتك تامر ان نترك ما يعبد اباؤنا ؟

اذا رادك ان يتخذنك الاهة . هذا الذي بعث الله رسولا ؟ لقد استهنى برسل من قبلك . فحاق بالذين سفحوا منهم ما كانوا به يستهزئون .

ضرب الامثال ونسى خلقه . قال من يحيى العظام وهى رميم . قالوا لمن لم تنته يا نوح لتكفرن من المرجومين . الذين هاجروا اخرجوا من

ديارهم وادوا في سبيلي فقاتلوا وقتلوا الاكفرن عنهم سبائهم . ان الذين يكفرون بايات الله ويقتلون النبيين بغير حق ويقتلون الذين يامروا

بالعسيف من الناس فبشرهم بعذاب اليم . انظرمعون ان يؤمنوا لكم وقد كان فريق منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه ، وهم يعلمون .

ط

ط

ط

آشنائی با قرآن ۵۹

وضو:

خداوند در آیه ۵ مائده سوره میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ، فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ،
وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ، وَإِن لَّمْ تَجِدُوا مَاءً فَاتَّيَبُوا بِمَاءٍ مِّنَ الْوُضْئِ،

ای افراد با ایمان، وقتی برای نماز برخاستید صورت و دستهایتان را با آب بشویید،

و دستپوشان و پاهایتان تا قوزک با مسح بشوید، و اگر جنب بودید، خود را پاک کنید؛

وَإِن لَّمْ تَجِدُوا مَاءً فَاتَّيَبُوا بِمَاءٍ مِّنَ الْوُضْئِ، فَمَا مَسَّحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ، وَإِن لَّمْ تَجِدُوا مَاءً فَاتَّيَبُوا بِمَاءٍ مِّنَ الْوُضْئِ، فَمَا مَسَّحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ،

اگر در مریض یا در سفر بودید یا کسی از شما از دفع آلودگی یا از نامتانتان بخوابی کردید،

و آبی پیدا نکردید، با خاک پاک تمیم کنید، و از آن بصورت و دستپوشان بشوید،

مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ، وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.
اللَّهُ يَخْتَارُ مَا يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَالْتَمِسُ عَلَيْهِ السَّلَاتِ، وَتُرِي السَّحَابَ كَوْنًا مُّخْتَلِفًا رُفَعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانًا، فَسَوْفَ يَعْلَمُ لِمُتَّعْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِذْ تَعْلَمُونَ، وَتُرِي السَّحَابَ كَوْنًا مُّخْتَلِفًا رُفَعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانًا، فَسَوْفَ يَعْلَمُ لِمُتَّعْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِذْ تَعْلَمُونَ، وَتُرِي السَّحَابَ كَوْنًا مُّخْتَلِفًا رُفَعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانًا، فَسَوْفَ يَعْلَمُ لِمُتَّعْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِذْ تَعْلَمُونَ،

می بینیم که وضو در سوره مائده یعنی آخرین سوره ای که در پیغمبر نازل شده آمده و قبل از آن مسلمانان بدون وضو نماز نمیخواندند. ولی دستور غسل یعنی شستن پس از جنب شدن

در آیه ۴۳ سوره مائده آمده بود. می بینیم که وضو و غسل برای تمیزی و پاکیزگی آمده است لذا همانطور که امام باقر (ع) فرموده است: «وضو و غسل از جنس پاکیزگی است»

الغسل يجزي عن الوضوء، وأي شيء أظفر من الغسل.

غسل (شستن) از وضو کفایت میکند. چه چیزی از غسل پاک تر است؟

الوضوء بعد الغسل بدعة.

وضو بعد از غسل بدعت است.

ترجمہ کنید و علت اعراب کلمات را بیان کنید:

لقد بعثنا في كل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت

الذين اجتنبوا الطاغوت ان يعبدوها وانا هو الله

فمن يافقها الطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى

فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه، اولئك الذين هديهم الله

وادلكم هم اولوا الالباب. ارأيت من اتخذ الهة مراه؟ ان انت تكون عليه وليد؟

وان احسنهم بما انزل الله ولا تتبع الهواهم ولقد هم ان يفتنوك عن بعض ما انزل الله اليك

لئن اطاعتهم لفسدوا الدين الذي اخرجنا من اجله ولئن لم يتبينوا فاذن لهم

من المرجومين. قال امسهم به قبل ان اذن لكم انه للذي علمكم السعير

فلا تطعون ايديكم وارجلكم من خلاف

دلا صلبكم في جنود النخل اذا راو ك ان يتخذ ذلك الاهزوا هذا الذي بعث الله رسولا؟

قالوا لا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم؟ قالوا اما طير الالوين، التبتها فهي تملح عليه بكربة واصيلا

لقد تعلم انهم يقولون يعلمه بشر لسان الذي يلحدون اليه اعجبه وهذا لسان عربي مبين

دا عانه عليه يوم اخرون قل انزل الذي يعلم السر في السموات والارض قالوا ما لهذا الرسول ياكل الطعام ويمشي في الاموات

لولا انزل عليه ملك فيكون معه نذيرا اذ يلقى اليه كنز اذ تاون له خبة ياكل منها قال الطالمون ان يتبعون الارواح مسورا

لنصبرن على ما اذنبنا وعلى الله فليتكلم المتوكلون قال الذين كفروا لرسولهم لئن نحن لم نؤمن بالله لئن لم نؤمن بالله لئن لم نؤمن بالله لئن لم نؤمن بالله

الذين هاجروا واخرجوا من ديارهم وادذوا في سبيلي وقاتلوا وقتلوا لا لافرن عنهم سيئاتهم ولادخانها جنبات تجري من تحيتها الانهار

ذلك بانهم كانوا يكفرون بايات الله ويقتلون النبيين بغير حق ذلك بما هموا وكانوا يعتدون ان الذين يكفرون

بايات الله ويقتلون النبيين بغير حق ويقتلون الذين يأمرون بالقسط من الناس فبشرهم بجزاب اليم في اللتاب

قد كان فريق منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه ان الذين يكفرون ما انزلنا من البينات والهدى من بعد ما بيناه للناس

آشتی با قرآن ۶۰

خوردنی ها:

خداوند در آیه ۹۳ آل عمران میفرماید:

كُلِ الطَّعَامَ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ

هر غذایی برای بنی اسرائیل قبل از نزول تورات حلال بود مگر آنچه خود یعقوب بر خودش حرام کرده بود.

می بینیم که خداوند در این آیه میفرماید «هر غذایی بر بنی اسرائیل قبل از نزول تورات حلال بوده». تورات هم در شماره ۳ باب نهم سفر پیدایش همین مطلب را بیان میکند.

چون میفرماید: خدا به نوح و پسرانش گفت: «هر جنبه ای که زندگی دارد برای شما طعام باشد. همه را چون علف بزره شمارادم. مگر گوشت را با جانش

که خون او باشد محوید.» می بینیم مطابق این آیه تمام خوردنی ها برای نوح و پسرانش و یعقوب پسرانش تا زمان موسی علیه السلام حلال بوده ولی واجب نبوده هر کسی هر غذایی را بخورد لذا یعقوب بعضی غذاها را که دوست نداشته میخورده پسرانش هم به تبعیت از او آن را نمی خوردند. و گفته خداوند آن را حرام نکرده بود.

خداوند در آیه ۶۰ النساء میفرماید:

فَنظُمٌ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا وَآخَرْنَا عَلَيْهِمْ طَبِيبَاتٍ أُحْلَتْ لَهُمْ وَبَصَدَّهُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا، وَأَخَذَهُمُ الرِّبَا وَأُكِّدُوا عَلَيْهِمْ، وَأَكَلْتُمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ

بعضی ظلم بود و با آن و بعضی ایند مردم را بمقدار زیاد از راه خدا باز می داشتند،

و بعضی ایند که در صورتی که از با خواری منع شده بودند با خواری می کردند و بعضی مال مردم را

بباطل می خوردند خوردنی های پاک که برای آنها حلال بود بر آنها حرام کردیم.

آیه ۱۴۶ هم علت تحريم خوردنی های پاک را برای یهودیان ظلم (یعنی آتشیان میکنند) ذکر می کند. و در مطابق ۹:۳ سفر پیدایش خوردن هر غذایی برای آنها مجاز بوده.

خداوند در آیه ۸۷ مائده میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَبِيبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ

ای افراد با ایمان خوردنی های پاک را که الله برای شما حلال کرده، حرام نکنید.

پسران نوح و پسرانش
این تورات را می خوانند
در این کتاب

بعضی ایند که در صورتی که از با خواری منع شده بودند با خواری می کردند و بعضی مال مردم را باطل می خوردند خوردنی های پاک که برای آنها حلال بود بر آنها حرام کردیم.

اِتَّبِعُوا مَا اَنْزَلَ الْكَلِمُ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ اَوْلِيَاءَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا اَنْزَلَ اللَّهُ فَاولئك هم الكافرون
 فَاقْرَأُوا مَا تَنْسَخُ مِنَ الْقُرْآنِ اذْلا تَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ لَقَدْ نَسَخْنَا الْقُرْآنَ الَّذِي كُنْتُمْ يَتَّبِعُونَ فَاقْرَأُوا مَا نَسَخْنَا بِلسَانِكَ لِنُبَشِّرَ الْمُتَّقِينَ
 وَتَذَرِيهِ قَوْمًا لَدًّا لَقَدْ ارسلنا رسلنا بالبينات وَاَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ يَا أَيُّهَا الرَّسُلُ بَلِّغُوا مِنْ الْقِبْلَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا اِنْ ارْتَدَّا اِلَّا الْاِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُمْ
 فِي اَمْوَالِهِمْ حِصٌّ مَعْلُومٌ لِلنَّسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ اَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَاخْرُجُوا مِنْ اَرْضِكُمْ اَوْ اُخْرِجُوا مِنْهَا
 وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تُرَدُّونَ اِلَى اَسَدِ الْعَذَابِ وَمَا لِلَّهِ بِغَايِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ لَا زَيْنَ لَكُمْ فِي الْاَرْضِ وَلَا زَيْنَ لَكُمْ فِي السَّمٰوٰتِ
 الْاَعْبَادُ كَمَنْهُمْ الْمُحْلَصِينَ لَا يَزَالُونَ يُقَالُ لَكُمْ حَتَّى يَرُدَّكُمْ عَنْ رِجْلِكُمْ اِنْ اسْتَطَاعُوا اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ اٰمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
 ثُمَّ لَمْ يَرْبُوا وَاَجَاهِدُوا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الصّٰدِقُونَ وَاَعْصَمُوا بِحَيْثُ جَعَلَ اللَّهُ عَمَلَهُمْ وَلَا يَفْرَدُوا
 اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَالُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْ بَيْنَ مَرْصُومٍ لَا يَلْفُؤْنَ اَكَا لَّذِينَ تَقْرَوْنَ وَاخْتَلَفُوا
 مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِاٰخِرَتِنَا
 الَّذِينَ سَبَقُوا بِالْاِيْمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اٰخِرَةٌ فَاصلِحُوا بَيْنَ اٰخُوْنِكُمْ
 وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاَطِيعُوا الرَّسُوْلَ وَاذِلِّي الْاَكْفِبْتُمْ وَاِنْ نَادَيْتُمْ فِي سَمِيْعٍ
 فَرُدُّوهُ اِلَى اللَّهِ وَالرَّسُوْلِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ اِذَا قِيلَ لَكُمْ تَعَالَوْا اِلَىٰ مَا اَنْزَلَ اللَّهُ وَاِلَى الرَّسُوْلِ
 رَابِتِ الْمُتَّقِيْنَ لِيُصَدِّقَ عَنْكَ صُدُوْدًا اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِينَ يَزْعَمُوْنَ اَنَّهُمْ اٰمَنُوْا بِمَا اَنْزَلَ الْبِكْرُ دَمَا اَنْزَلَ مِنْ قِبَلِكَ
 بِرِيْدُونَ اَنْ يَّجْعَلُوْا اِلَى الطَّاغُوْتِ وَقَدْ اُمِرُوْا اَنْ يَلْفُوْا رِجْلَيْهِ اَتَّبِعْ مَا اَنْزَلَ الْبِكْرُ مِنْ رَبِّكَ اِنْ اَتَّبِعِ الْاِمْرَ اَوْ رَجِيْ اِلَى
 اَبْرَتْ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ وَاَنْ اَلُوْا الْقُرْآنَ اُدْعُ اِلَى سَبِيْلِ رَبِّكَ بِالْحُجْمَةِ وَالرُّعْفَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ
 وَلَتَنْتَبِهُنَّ اِمَّةٌ يَدْعُوْنَ اِلَى الْخَيْرِ وَيَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ لَكُمْ خِزْيَانَةٌ اَخْرَجْتُمُ النَّاسَ
 تَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُوْنَ بِاللَّهِ اَعِدُّوْا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطٍ وَجُنُودٍ

آشنائی با قرآن ۶۱

شراب:

خداوند در آیه ۹۰ مائده سوره ۵ میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَلْطَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوا لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ

ای افراد با ایمان شراب قمار و بت و تیرهای قرعه پلید و از کاذب شیطان است از آن اجتناب کنید تا رستگار شوید.

این دستور همان طور که می بینیم در سوره مائده آمده است. سوره مائده آخرین سوره ای است که بر پیغمبر وحی شده و در آن احکام زیادی وجود دارد و با آمدن آن دین

کامل شده است. آیه **الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ** (امروز دین شما را کامل کردم) آیه ۳ این سوره است. لذا می بینیم که در سالی آخر عمر پیغمبر دستور اجتناب و کنارگیری از خوردن

شراب به سلطان داده شده. تحریم الکحل رفته رفته صورت گرفته. ایما را از مکه شروع شده چون:

خداوند در آیه ۶۷ بقره سوره ۲ میفرماید:

مِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ يَتَيَذَّرُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرَدًّا حَسَبًا

از میوه درخت خرما و انگور شراب در روزی پاک میگیرند.

می بینیم که از خرما و انگور مردم هم روزی پاک میگیرند خرما و انگور شیرین و خوراکی است و در سوره میگیرند هم روزی بد که شراب باشد که زائل کننده عقل است عقلی که گرامت بزرگی

بنا بر آن است. در نتیجه از بین رفتن عقل نیروی حیوانی انسان کابری افتد و جنایت و حیانت صورت میگیرد و قدرت و محلاقه ای بهار شده خود نمائی میکند.

خداوند در آیه ۲۱۹ بقره سوره ۲ میفرماید:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا الْكَبِيرُ مِمَّا نَعَىٰ

درباره شراب و قمار از تو سؤال میکنند بگو در آن دو گناه بزرگی و همچنین منافعی برای مردم وجود دارد ولی گناه آن بزرگتر از نفع آن است.

در این آیه می بینیم که هم از نفع این دو صحبت میشود هم از گناه آن ولی میفرماید گناه این دو بزرگتر از نفع آنهاست. تا همان بخاطر اینند خوردن مشروب و قمار بازی

گناه دارد مقداری از آن اجتناب و کنارگیری کنند. و جایی معتمداری از نتایج سود این دو در امان باشد. چون میدانیم که این دو چیز خاندان آبی را ببارد دارد و بیم

جنایاتی ببار آورده. میدانیم که تحریم مشروب و قمار قانون آسمانی است که نباید شکسته شود. ولی چون یکباره و بدون مقدمه صورت گرفت نتیجه خوبی ببار نیاورد و حذف شد.

خداوند در آیه ۴۳ سوره ۴ میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا الصَّلَاةَ دَأْبًا مُّكَارِمًا صِحِّي تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ

ای افراد با ایمان وقتی هستم نماز نزدیک نشوید تا بفهمید که چه میگویید.

سلمان مطبق دستور این آیه خود را موظف میدیدند که وقتی هستم نماز بخوانند نمازمانی که بفهمند چه میگویند. در نتیجه برای اینکه همیشه با شد و بتواند بموقع نماز بخواند مقدار زیادی از مشروبات و بخاری خود کم کرد و روزی نیند برای حکم قطعی که در آیه ۹۰ مائده آمده و آن را در اول بحث دیدم آماده شد.

ترجمه کنید و بحث عقابان را بیان کنید:

اعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ مِنْ رِباطِ الْجَحِيلِ ^{بهر مایل} وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ، لَا تَعْلَمُهُمْ

وَمَا يَنْفَعُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ^{در راه} يَوْمَ الْيَوْمِ، وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ^{نظرون} إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الضَّالِّينَ

وَلَئِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ لَظَالِمُونَ ^{ظالمون} إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الضَّالِّينَ ^{بهر مایل} لَأَخْلِقُوا وَلَا يَخْرُجُوا مِنْ الْأَعْلُونَ

إِنَّ نَسَمَ مُؤْمِنِينَ ^{مؤمنين} كَمَنْ قَدِيَّةٍ قَدِيَّةٍ سَلَبَتْ قَدِيَّةَ لَيْبَةِ بِأَذْنِ اللَّهِ ^{بهر مایل} إِنَّ الْكَيْفِيَّةَ الْبَارِئَةَ مَدْمُونٍ عَنْهُ لِيَفْرَعْتُمْ سَبِيحًا نَسَمًا

وَيَدْخُلُهُمْ مَدْخَلًا لَرِيحًا ^{مدرخلهم} اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ^{صابرين} تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا سَبَتْ وَلَكُمْ مَا لَسِبْتُمْ وَلَا تَسْتَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

كُلِّ نَفْسٍ لَهَا سَبْتٌ رَهِيئَةٌ ^{سبت} يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ ^{تقوا ربكم} وَأَخْسُوا أَيُّهَا الْيَجْرِيُّ وَالْأَعْمَنَ وَوَلَدَهُ ^{والدعهن وولده} وَلَا تُولَدُوا لَهُمْ جَارِئًا وَوَالِدَهُ

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ^{حق} فَلَا تَعْرَبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ^{الحياة الدنيا} وَلَا تَعْرَبُوا بِاللَّهِ الْعُرُودَ ^{بالله العرود} لَعْدَاكَ فِي نَصَبِهِمْ عَثْرَةً لِأُولِي الْأَبْيَابِ

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ ^{انسان لربيه كنفي} أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْبَى ^{انراه استعنى} إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ ^{النفس الامارة بالسوء} إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

رَبِّ بِمَا عَدَيْتَنِي لِأَزِيدَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ^{بما عديتني لازيدنهم في الارض} وَلَا تَعْرَبُوا أَجْمَعِينَ ^{لا تعربوا اجمعين} الْأَعْبَادَ لِلَّذِينَ أَحْلَبْتَهُمْ ^{الاعباد للذين احلبتهم} هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ

رُسُلًا مِنْهُمْ ^{رسولا منهم} يُبَيِّنُ لَهُمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ ^{يبين لهم آياته ويزكيهم} وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ^{ويعلمهم الكتاب والحكمة} وَإِنَّ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَعْنِ صَلَاحٍ مُبِينٍ

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ^{قل لا املك لنفسي نفعا ولا ضرا الا ما شاء الله} وَلَوْلَا نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيَّ لَاسْتَوْتَمْتُ مِنَ الْخَيْرِ ^{ولولا نعم الله علي لاستوتمت من الخير} وَمَا مَسَّنِي السُّوءُ

إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ لِلْعَالَمِينَ ^{انا انا نذير للعالمين} وَرَبِّ الْكُتُبِ ^{رب الكتب} وَتَرَى الْمُسْلِمِينَ مَشْفِقِينَ ^{وترى المسلمين مشفقين} عَلَيْهِ ^{عليه} وَيَقُولُونَ مَا هَذَا الْكِتَابُ

سلمان
سلمان

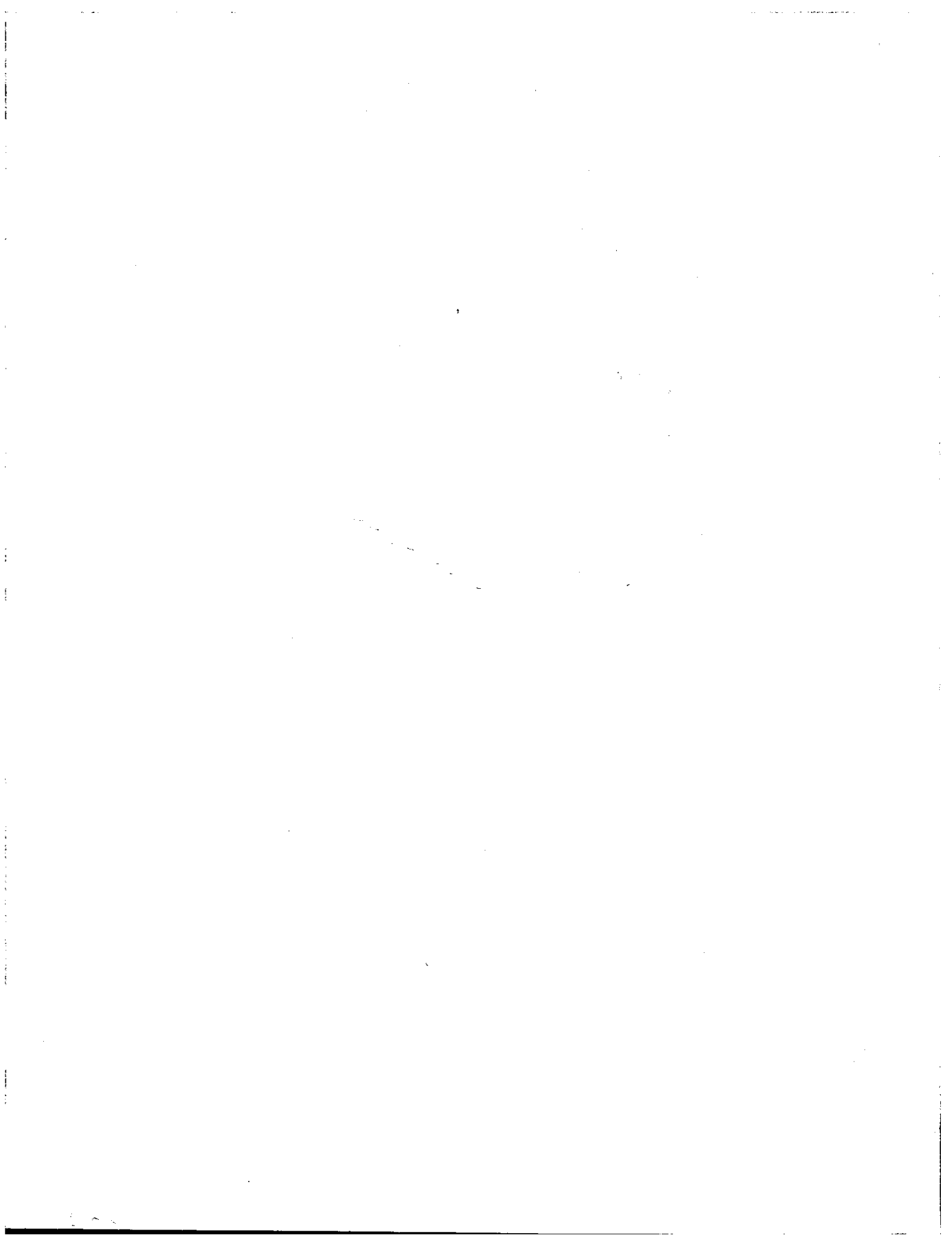
آشنائی با قرآن ۶۲

خداوند در آیه ۳۶ سوره مومنین فرماید:

اعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا. وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

اللَّهُ را بندگی کنید او را شریک نماند و خداوند را فراموش نکنید
و تنی و پسران و همسایه خویش و نزدیکان و یتیمان و بیگانه و دولت همراه و در راه مانده را بخوبی کنید.

این دستور صریح خداوند است و مسلمان واقعی که تسلیم احکام و نظریات خداوند است این دستور را از صمیم قلب انجام میدهد و فقط الله را بندگی یعنی اطاعت بدون چون و چرا میکند و فقط در مقابل خداوند جس و دایره از کوچک و بزرگت میکند. چون میدانند خداوند او و جهان را آفریده و از توان این جهان و حیوانات آن اطاعت کامل دارد و در راهمانی های خود شبانه بخوابد و نمیخواهد آن را فریب دهد. چون فرد محتاج و ضعیف در صدد فریب دیگران بر می آید و خداوندی که جهان را آفریده به ضعیف است نه محتاج. لذا از دستورهای خداوند با اطمینان خاطر پیروی میکند در این پیروی کسی را شریک خداوند نمی سازد یعنی از دستوراتی که شخص در زمان دیگری در صورتی که بر خلاف دستور و نظر خداوند باشد اطاعت نمیکند. و امید اند برای اینکه باید تا آنجا که میتواند از تکلیف افراد بشیر با مصداق دین و هدف بزرگ آن آشنا کند و با افراد بفهماند که دین خواست سعادت بشر است و سعادت بشر فقط و فقط در سایه دین واقعی تأمین میشود. چون دین آمده تا انسان را دنیائی باز کند در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و خرد شدن شخصیت آن نباشد. و میدانند آن طبعاً میخواهند هر کاری که خواهند بکنند و هیچکس ابراری بکار آنها نگیرد هر دستوری که دارند مطابق درخواست آنها عملی شود. و فقط در سایه دین و ایمان به الله و مسکولیت آن، افراد بشیر بتوانند این خواست درونی و طبیعی خود را برآورند پس می بینیم که در این آیه و آیات دیگری خداوند دستور مکتبی به دیگران را به آن میدهد. مسلمان واقعی که از کتاب دینی خود یعنی قرآن اطلاع کامل دارد میداند که آن باید در کنار دستور «خدا را بندگی کنید» آمده است به آیه ۳۳ بقره، ۱۵۱ انفاس، ۲۳ اسراء و ۱۳ تا ۱۵ لقمان نگاه کنید. خداوند در کنار مکتبی به پدر و مادر و خویش و ندان و تمییزتیمان و در راه مانده گان در این آیه به مکتبی به هم یگان نیز دستور میدهد. در یک جامعه آدمی واقعی انسان به هم یگان یکی میکنند و باعث ناراحتی هم یگان خود نمی شوند. و افراد از دست هم یگان خود راحت خواهند بود و روی آسایش را خواهند دید.



آشنائی با قرآن ۶۳

خداوند در آیه ۱۰ تا ۱۳ صفحہ ۱۰ میفرماید

جهاد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَجَارٍ مَّغِيبٍ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ؟

ای افراد با ایمان آیا من را به تملکی که شمار از عذاب الهی در دنیا نجات دهد را نهائی کنم؟

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ. ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

به الله و پیغمبرش ایمان یارید و مال و جانتان در راه الله جهاد کنید. اینکار برای شما بهتر است اگر حقیقت را بدانید.

تَكْفُرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَفِي خِلْمِ غَنَاتٍ تَخْرُجُ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ. ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

گناهان شما را می آرزیم شما را درشت غنی کنیم که نه در آن روان است و منزل ای پاک در بهشت جاوید وجود دارد. این بهشت بزرگی است.

وَأُخْرَىٰ مَجْمُوعَاتُهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ. وَلَيْسَ الْمُؤْمِنِينَ.

چیز دیگری که آن را دوست دارید، یاری الله و پیروزی نزدیک است. این است را به افراد با ایمان بده.

تفسیر آیه ۱۰
جهاد الهی

باید که...
جهاد با نفس
و جهاد با مال

در این آیات می بینیم که خداوند به افراد با ایمان هم وعده پاداش دنیوی میدهد هم پاداش اخروی. ولی شرط اصلی آن دو چیز است یکی ایمان به خدا و پیغمبرش دیگری

جهاد با جان و مال در راه خداوند. یعنی کوشش در راه رختن دنیا کی که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و خرد شدن شخصیت انسان در مقابل بت های سختی نباشد.

دقیقی کسی ایمان به خدا و پیغمبرش داشته باشد میداند که حرفهای پیغمبر بنام وحی میزند از خودش نیست و از خدا است که جهان را آفریده و از حقایق و قوانینی که در جهان

وجود است آن گذشته بخوبی اطلاع دارد و در راههای (یعنی نشان دادن راه صحیح) چهار شباهت میدهد. لذا چنین فردی با ایمان کامل به صحیح بودن راه در راه رختن دنیا می

پاکی که خداوند پیغمبران را برای آن فرستاده جهاد و کوشش میکند. چون میداند خداوند در آیه ۲۵ حدیث صوره ۵۷ میفرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا

مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. «پیغمبران را با دلیل های روشن و کتاب و میزان فرستادیم برای اینکه مردم عدالت را پاسدارند.» معادل باشد

و معنی کنند که میزان نیز عادل باشد و دنیا را بسازد که در آن اثری از ظلم نباشد. در آیه ۸۸ هود صوره ۱۱ از قول شیخ میفرماید: إِنَّ أَرْيَاكَ إِلَّا الْإِصْلَاحَ

مَا اسْتَطَعْتَ. «پیغمبری غیر از اصلاح نمی آید. آنهم تا جایی که از دستم برآید.» در آیه ۲۴ و ۲۵ صوره ۷ میفرماید: فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِلْمَسْكِينِ وَالْمُعْرَمِينَ.

در سوال آنها (نمازگران) حق معدومی برای سائل و محروم وجود دارد. «در آیه ۳۶ اسراء سوره ۱۷ میفرماید: لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ. «از آنچه بخیرید از خود

دندان روی نکن.» در آیه ۶۴ آل عمران سوره ۳ میفرماید: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ، تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ، إِلَّا تَعْبُدُوا اللَّهَ، وَلَا تَشْرِكُ بِهِ

شَيْئًا، وَلَا يَخِذْ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ. «بگو: ای اهل کتاب ای دینداران جهان، بیایید روی کلمه ای که بین ما دشمنی است همکاری کنیم. که فقط

بندگی الله را بگیریم (بندگی یعنی اطاعت محض بدون چون و چرا از هیچ کس و هیچ زمانی غیر از خداوند نگیریم) و در اینجا شریک اول ریم (بندزه و مطیع محض همکس جز از بنیم)

و بعضی از ما بعضی را غیر از خداوند ارباب و صاحب اختیار خود نگیرند. «الذما مسلمانی که سعادت خود را خانواده و کفیه افرادش را در اطاعت از خداوند و سخن یک دنیای پاک

میدانند با تمام جان و مال خود در راه سخن یک دنیای پاک جهاد و کوشش میکنند. چون از نظر خداوند مومن واقعی کسی است که با جان و مالش در این راه کوشش و جهاد میکند.

همانطور که در آیه ۱۵ احزاب سوره ۴۹ میفرماید: يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ، أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ. «مومنین واقعی کسی هستند که به الله و پیغمبرش ایمان آوردند، بعد هم چهارگانه شدند، با مال و جانشان در راه الله

سخن یک دنیای پاک جهاد کردند. چنین افرادی راست میگویند. «وقتی میگویند ایمان داریم راست میگویند و واقعاً به خداوند و پیغمبرش ایمان دارند. چون در راه

سخن دنیای پاک که خداوند پیغمبرش را برای آن فرستاده و برای ما این سعادت است با مال و جانشان جهاد میکنند.

می بینیم که در آیه ۱۲ صف خداوند وعده پادشاهی اخروی به چنین افرادی میدهد و میفرماید: پادشاهی آنها «بهشت جاوید» و «منزل عیسی پاک در بهشت

جاوید بسیار است. در آیه ۳۳ پادشاهی دنیوی آنها را بیان میکند و میفرماید: «فتح و پیروزی زودرسی خواهند داشت» خداوند در آیه ۵۵ نور سوره ۲۴ نیز این وعده را

میدهد چون میفرماید: وَوَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ، وَلَيُمَكِّنَنَّ

لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ، وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا، يَعْبُدُونَنِي، لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. «لا الله بک فی از شما که ایمان داشته باشند و کار درست

و صحیح بکنند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین قدرت موجود بکنند همانطور که کسی که قبل از آنها بودند جانشین قدرتهای قبل از خود کرد؛ و دینی که برای آنها

پسندیده به قدرت برسد و حاکم بر جمیع کفر و شرک در زمین را به امنیت خاطر تبدیل کند. تا را بندگی کنند و بندزه همکس هیچ چیز غیر از من نباشند.» می دانیم که خداوند این

وعده خود را خیلی سریع انجام داده و در عرض چند سال اسلام را حاکم بر عربستان کرد و در عرض ۱۵ سال اسلام را بر قدرتهای زمان خود یعنی بر ایران و روم شرقی و مصر

پیروز کرد. اگر مسلمانان باز واقفان و مسلمانی و مسلمانی حکم خداوند نباشند آنها را بر قدرتهای زمان پیروز میکنند و دنیای پاک که دین بخیر خواهد داشت. وعده خدا حق است.

آشنائی با قرآن ۶۴

از تکرار نام خداوند در این سوره
تعبیر از این است که
بسم الله الرحمن الرحیم

جنگ: قتال:

خداوند در آیه ۴ صاف سوره او میفرماید:

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا، كأنهم بنيان مرصوص.
الله که نی را دوست دارد که در راه او می‌جنگند مثل ستونی آهین می‌چینند.

نگاهی به جهان امروز، وضع جهان در قرن ۲۰ میلادی تا بهینید در این قرن ۲۱ جنگ جهانی در مرکز اروپا واقع شد و تقویمی در جنگ دوم ۴۵ میلیون انسان کشته شد. چه خانه‌ها خراب شد چه اندازه معول بجا گذاشت بجای خود. در پاره آخر قرن ۲۰ در اروپا صربها با کرواسی، بوسنیها، کوسوو و مقدونیه چه کردند. در آفریقا چه قتل عام‌های صورت گرفت در افغانستان چه خرابت. قانون جنگل در قرن ۲۰ بر جهان حکومت می‌کرد و هنوز هم حکومت میکند. «حق با قوی است» که قانون جنگل است در تمام طول تاریخ بر جوامع بشری حکومت کرده و میکند. دتا مردم واقعا دیندار واقعی و عادل و متعهد نشوند این قانون بر جهان حکومت خواهد کرد. دین واقعی که خواستار خشن دنیایی است که در آن اثری از ظلم و فقر و جهل و خرد شدن شخصیت انسان نباشد، تنها کلید تأمین سعادت واقعی انسان است. انسان طغیانگر و طاغوت است که واقعا دیندار باشد. چون خداوند در آیه ۶ و ۷ صاف میفرماید: ان الانسان ليطغى، ان رآه استغنى. «ان چون خود را بی نیاز ببیند، غما طغیان میکند»

خداوند در آیه ۲۱۷ سوره ۲ میفرماید:

لا يزالون يقاتلونكم حتى يردوكم عن دينكم ان استطاعوا.
همیشه با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند.

طاغوت با طغیانگرانی که در اثر بیداد آوردن قدرت می‌خواهند هر کس را که خواهد بکنند در دشواری که دادند مطابقتی درخواه آنها عملی شود، دین را که خواستار عدالت و حفظ حقوق انسان است همیشه سواره خود دانسته و میدانند که اصل بقی گفته علامه طباطبائی در صفت ۷۴ و ۷۵ کتاب «الام و جنایات» واقعی هر عصر «به است یقعه مزدور ماده است که مورد ارادت عامه مردم بودند، فکر واقع بینی و حقیقت شناسی را از مغز ایشان بیرون کشیده و با تزریق و تلقین یک بسته افکار است و واهی و بی اثر مرکز است مغز... (اگر ایچان کسی در آن بی سر بلند کرده و با بنای وجودی نامی از حقایق قرآن به زبان می‌آورد یا متعجب به دم شمیرد چه دارد و شکیه‌های می که در کتب زندگانی تا یک در انتظار آمان بسیر می‌برد موقوف بشود. این احقاقی است که هیچ مورخ منصفی نمی‌تواند پنهان کرده به رویش بکشد»

بنابر این دینداران واقعی در راه پیش دارند. با تسلیم حکم و نظر طاعت و در کمال توکل و تکیه بر خداوند و تکیه بر خود نیستند و از دین خود دست
 برندارند، یا عاقبت در حفظ دین واقعی بکوشند و سعی کنند آن را به مرحله عمل در آورند تا انسان با بنده و طبع محض همگین و هیچ زمانی نشوند. برای انکار باید کلیه دینداران چون
 را با حقیقت دین آشنا کنند و آنها را متحد و متحدان نیروی لازم برای جلوگیری از تکرار مآزنی این جنایتکاران الهوی پرست و جنایتکاران بوجود آورنده چون خداوند در آیه ۱۰۵
 آل عمران میفرماید: **لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا**. «شما مثل آنی که در جهل تفرقه و اختلاف شدند نباشید» که شما متفرق شده و پراکنده

خداوند در آیه ۱۹۰ بقره سوره میفرماید:

قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ لَقِيتُمْ لِقَائِهِمْ وَلَا تَعْتَدُوا.
 در راه الله با آنی که با شما میجنگند، بجنگید ولی تجاوز نکنید.

مسلمان واقعی فقط در راه الله یعنی سخن یک دنیای پاک میجنگد نه در راه محکم سخن پایه های حکومت دنیا توکل و فریبکاران در بطلم و بیدارانی. راه الله سخن یک
 دنیای پاک است که در آن از ظلم و فساد و فقر و جهل و غرور شدن شخصیت آنان تا اثری نباشد. سخن چنین دنیایی هیچجا به واقع بینی کامل دارد. چون با مصالح پوشیده
 نیست آن یک سخنان محکم است و با افرادی که جز هوای پرستی و قدرت طلبی و امتیاز و برتریجویی هدف آرزوی ندارند نمیتوان یک دنیای پاک رخت و پاک نی که از دین
 جز «یک تبه انکار نیست و واهی و بی اثر» چیزی بخیر اندوزد و در شرف است و آداب و رسوم سنگینی غرق شده اند نمیتوان دنیایی که مورد نظر دین است رخت.

خداوند در آیه ۱۹۳ بقره سوره میفرماید:

قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينَ لِلَّهِ.
 با آنها بجنگید تا اینکه توطئه ای باقی نماند و دین و قانون فقط به الله اختصاص داشته باشد.

این جنگ و مبارزه امروز جنگ گمراهی است و در گمراهی نیست. این جنگ امروزه باید بصورت تعلیم و آموزش حقایق دین و حقایق زندگی انسانی صورت
 بگیرد. این جنگ، جنگ حق و باطل، جنگ فرود راه صحیح با فرود راه غلط است. این جنگ، جنگ مبارزه با جاهل و نادانی و تعصب های یکجگانه است. در این جنگ
 باید از کلیه مسائل ارتباط جمعی و آموزشی استفاده کرد. باید از برود شور، پرستش، کتاب، روزنامه، مجله، فیلم، سینما، تئاتر، رادیو، تلویزیون، اینترنت، شعر، موسیقی
 آواز، کلاس درس، مدرسه، کورستان، رستان، دوره راهنمایی، دبیرستان، دانشگاه، و هر چه که در این راه میتوان استفاده کرد سود برد.

آشنائی با قرآن ۶۵

جلب منافع و دفع ضرر:

خداوند در آیه ۱۸۸ احزاب سورہ ۷ میفرماید:

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا، إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

تبار: من مالک نفع و ضرر برای خودم نیستم، مگر آنچه که الله بخواهد.

وَلَوْلَا كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَلْزَمْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ

اگر غیب بر من آشکار بود و نفع بیشتری را جلب میکردم و بدی و آسبایی بمن نمی رسید.

إِنَّا أَنَا الْأَنْذِرُ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

من فقط هشدار دهنده و ترساننده ای برای افراد با ایمان هستم.

این طبیعت انسانی است. این مثل هر موجود زنده ای میخواهد در طول زندگی خود نفع و لذت بیشتری ببرد و کمتر ضرر کند و زحمت کمتری کشد. نفع تنها در پول و ثروت نیست. این پول را برای لذت بردن از زندگی میخواهد. این پول را برای لذت بردن از زندگی خرج میکند. این پول را خرج میکند که لذت ببرد و راحت باشد. این پول را خرج غذا و لباس و مسکن و همسر و فرزندان خود کند تا با چیزهایی که دوست دارد و میگذرد. پول و سید لذت بردن و راحت بودن است. بعضی ها وسیده را با هدف اشتباه کرده اند و هدف آنها در زندگی فقط پول و ثروت بیشتر است. بقول آیه ۲۳ و ۲۴ سورہ ۱۰۴: الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ. يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ. ادکسی که مال را جمع کرده و حساب مقدار آن را کرده. خیال میکند که مالش عمر جاوید بیاورد (میرود). این فکر که فکر میکند نیت بگذرد این پندار و تصور زندگی را برای او بجز ثروت و ثروت در آورده است. سعادت و خوشی این در یک مجموعه است. سعادت این در این است که در جانی سرسبز و زیبا و فرح افزا زندگی کند در زمانی صمیمی و دلگشا و غذا کار در لذت داشته باشد و هر قدر در آنها بیشتر باشد بیشتر لذت میبرد. اگر در شهری سرسبز و فرح بخش زندگی کند بیشتر لذت میبرد تا در خانه ای یا محله ای سرسبز و پر از گل و گیاه و حیواناتی زیبا زندگی کند. و اگر در کشوری سرسبز زندگی کند بیشتر لذت میبرد. چون زیبایی و سرسبزی فرح بخش است. دیدن آن های دلنشین و برخوردن در خانه های مخوب و حیواناتی که شیف ناراحت کننده است. دیدن حیوانات مریض و کهنه آن را ناراحت میکند چه رسد به آن های مریض و کهنه. این طبیعت انسان است. این همه در انسان تر مؤدب تر. عادل تر، هنرمند تر، دانشمند تر باشند آدم از دیدن آنها و هم نشینی با آنها بیشتر لذت میبرد. هر قدر امنیت خاطر بیشتری باشد انسان از زندگی بیشتر لذت میبرد.

و دین واقعی میخورد دنیا بی بس زد که در آن از ظریف و رفیق و جمل و خرد شدن شخصیت آن با اثری نباشد. سعادت واقعی آن در داشتن چنین محیطی است که همه دیگران را برابر درود و ستودار و بخوار خود ببیند و از طرف دیگر همسایه خطر و خجاستی نندد. و همه با مال و جان آن در راه خشن چنین دنیائی کوشش کنند. خشن چنین افرادی چنین دنیا چنین محیطی احتیاج بر توبه و خشن تمام افراد این امر است. لذا افراد دنیا واقعی سعی میکنند تا آنجا که بتوانند تمام افراد جهان را متوجه این هدف و این وظیفه دینی و دنیائی بکنند. نفع واقعی انسان در خشن و بوجد آوردن چنین جهانی است و دنیا را آن واقعی وظیفه دارند با حکمت و بصیرت و با بهترین روش دیگران را متوجه این حقیقت بکنند. تا بتوانند با همکاری افراد بیشتری زمینه بوجود آمدن چنین دنیائی را فراهم کنند. کار در این است که هر قدر تعداد محققان زیاد تر شود کار آسان تر میشود.

دنیا در واقعی میداند پیروی از دستورهای دین واقعی که چندان زیاد نیست باعث سعادت دنیا و آخرت شخص است. چون آن با پیروی از دستورهای واقعی دین چنین دنیائی میسازد سعادت اخروی خود را نیز در اثر اطاعت از دستورهای خداوند تا این میکند. چون دنیا در واقعی مطابق آیه ۱۰۱ بقره میگوید: **وَبُنَا إِنسَانًا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً**

وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً و **فِي آعَابِ النَّارِ** اولی که **لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا** و **وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ**. «حسب اختیار (مالیک) خداوند کارام در دنیا و آخرت وضع خوبی مبادیه و ما را از عذاب آتش جهنم حفظ فرما. چنین افرادی بهره ای از کارهایی که کرده اند دارند. و حسب برسی الله سریع است. ۲۰ اما مردم جاهل با دست خود رسیدند بختی خود دیگران را فراهم میکنند. چون بنده چیزها و کثرتی میشوند که نفع دهری واقعی برای آنها ندارد و سعادت واقعی آنها را تا این میکنند. همانطور که آیه ۱۸ اینسوره ۱۰۱ و آیه ۵۵ قرآن سوره ۲۵ میفرماید: **يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ**. «غیر از بتی خدا بتی چیزهایی را میکنند که نفعی برای آنها ندارد و ضرری به آنها نمیزند.»

همانطور که ابراهیم در آیه ۶۶ و ۶۷ انبیا سوره ۲۱ گفت: **أَفَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ؟ أَلَمْ يَكُن لَّهُمْ آيَاتٌ مِن دُونِ اللَّهِ** **أَفَلَا يَعْقِلُونَ؟** «آیا غیر از الله چیزی را بتی را اطاعت می چون و چرا میکنند که ذره ای برای شما فایده ندارد و ضرری به شما نمیزند. اف بشما در چیزهایی که غیر از الله می پرستید. آیا عقل ندارید و عقل خود را بکار نمی اندازید؟ ۲۰ که گوی قدر کنید و درک کنید که راهی که میرود غلط است و راهی است که پدران بی اطلاع و نادان شما

میرفتند و فریبکاران برای دکان خویش بتی آنها را به پدران شما تلقین کرده بودند. آیه ۷۴ مائده بکنی که هیچ را خدا یا بتی از مس خدا امید هستند و از ادبیت سخته بودند میفرماید: **العبدون من دون الله ما لا یملکون ضررا ولا نفعا؟ والله هو الیمیع العلیم**. «آیا غیر از الله کسی را عبادت (بتی) میکنند که مانع ضرر و نفعی برای شما نیست. در صورتیکه الله شنودار است. ۲۱ در آیه ۱۲ و ۱۳ حج سوره ۲۲ میفرماید: **يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ** **وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ**

«غیر از خدا (الله) چیزی را به کمک میخواهند که ضرر و نفعی برای آنها ندارد. (ببخارگرایی زیادی است. کسی را بتی میخواهند که ضررش نزدیک تر از نفع آن است.»

آشنائی با قرآن ۶۶

بر تلبه نفس

خداوند در آیه ۲ مجمعه سوره ۶۲ میفرماید:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ،
 خداوند کسی است که در بین مسو ادان رسولی از خویش بر ما بفرستد،
 يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ،
 تا آیتش را بر آنها بخواند و آنها را پاک سازد و کتاب و حکمت را بر آنها بیاموزد،
 وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.
 اگر چه قبلاً در گمراهی آشکاری بودند.

و در مطابقی آنچه در آیه می بینیم نیز بر سه م ص را برای این فرستاد که به مردم کتاب و حکمت بیاموزد. آیا منظور از یاد دادن کتاب این است که مردم طرز تلفظ صحیح آن را یاد بگیرند؟ این را که خود به ما یاد بود و در تفسیر قرآن کلامه درست و بزبان عربی اصیل بود. بلکه منظور از تعلیم کتاب تعلیم احکام و نظریاتی خداوند بود. لذا مسلمان واقعی قرآن را برای این یاد میگیرد که از دستورهای خداوند اطاعت پیدا کند و راه صحیح زندگی را بشناسد و از آن پیروی کند. حکمت و دانش دقیق میباشد همانطور که خداوند پس از اینکه در آیه می

۲۲ تا ۳۸ سوره اسراء ۲۳ دستور بر آن میدهد در آیه ۳۹ آن میفرماید: ذَلِكُمْ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا. «در اینها از حکمت الهی است که صاحب اختیار بتو وحی کرده. یا الله (خداوند) معبودی دیگری برای خود قرار نده چون ملوت (سر زشت) شده در اندوه به جهنم خواهی افتاد.» لذا مسلمان واقعی قرآن را بخواند تا از حکمت در اینها آگاهی آن استفاده کند. ولی در مورد تزکیه باید توجه داشت که تا افزایش خود را تزکیه نکند یعنی خود را از افکار و اعمال غلط پاک نکند غیر از دریافت آگاهی که درین میجوایب زند. چون میدانیم هدف اصلی دین مسیح دنیائی است که در آن اثری از نظم نیست و فقر و جهل و خردشخصیت

پنهان است. ولی میدانیم که شیطان مطابق آیه ۳۹-۴۰ سوره اسراء خداوند گفت: رَبِّ اجْعَلْنِي لِرَبِّينِ لَأَزِينَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا تَجْعَلْنِي لِمَنْ أَجْمَعِينَ! «ای عباد که منم انحصارین» بزرگان، صاحب اختیاران چون مرا به استیفاء انداختی کارهای زشت را در زمین پیش آنها زمینت میدهم و زیاده بخواه میدهم و همه آنها را بجز میدگان خالص تو را فریب میدهم و به

استیفاء می اندازم.» بنده خالص کسی است که از دستورهای خداوند دقیقاً اطاعت کرده باشد. و از آنها پیروی کند. یعنی از کتاب الهی خود دقیقاً اطاعت کرده باشد و اراده ای قوی داشته باشد

تا پسر برهه ای نفی در کوسه های شیطانی بگذارد و تورا و نظای خندان را بکار بندد تا پادشاه خداوندش را هاش شود در دنیا و آخرت سعادت مند گردد. چون خداوند در آیه ۱۰۷ سوره ۹۱ میفرماید: «وَنَفْسٍ وَّامَّا نَسُوبُهَا، فَالْمُهَيَّبَةُ خُورًا وَنَقُوسًا، فَدَاعِلٌ مِّنْ زُلُمَاتٍ مِّنْ دُمُومٍ» «قسم به وجود خود آدم آنچه آن را راست، و بدکاری تسلط بر نفس را به او الهام کرد، که هر کس نفس را از خجور (بدکاری) پاک کرد موفق در شمارش، و کسی که آن را آلوده کرد زیانکار شد.» آیه ۲۱ سوره ۴۴ میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ، وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْعُرْيِ وَالْعُرْيُ عُجَابٌ، وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَفُتِنْتُمْ بِهِ لَوْلَا أَنَّ إِحْسَانَ

أَبَدًا. «ای افراد با ایمان! ای کسی که به رسالت محمد و الهی بودن قرآن ایمان دارید، از راه های شیطان پیروی نکنید. کسی که از راهی که شیطان قصد آن را به آن کوسه میکند پیروی کند

بداند که شیطان به کارهای زشت و ناروا امر میکند. اگر فضل و رحمت الله (راه نانی های او) بر شما نبود هرگز یکی از شما تا ابد پاک نمی شد.» آیه ۱۸ سوره ۴۴ میفرماید: «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ؛ وَإِنْ دَعَتْ مُعْتَصِمَةً إِلَىٰ حِمْلِهَا، لَا يَحْمِلُ مَعَهَا شَيْءٌ وَّلَا كَانِ ذَا قُرْبَىٰ. إِنَّمَا تُزَادُ الَّذِينَ يُكْفَرُونَ بِالْغَيْبِ، وَأَن مَّوَا الصَّلَاةِ، وَمَنْ كَفَرَ فَمَا يَتَّبِعُ النَّفْسَ، وَاللَّهِ الْمَعِيرُ.» «چشمس بارگناه دیگری را بر نمی دارد؛ اگر کسی که بارش سنگین است دیگران را هر چند که از قوم خویشی ای او باشند برای اینکه مقداری از بارش

را بردارد به کمک نخواند کسی آن را بر نمی دارد، آنچه از قوم خویشی ای او باشد. تو فقط کسی را که از صاحب اختیارشان از هم قسب می کنند از چنان روزی برخوردار می سازی. هرگز خود را از آلودگی پاک کرد بفتح خودش ای کار را کرده. بازگشت همه برای رسیدگی به ایشان به پیش الله است.»

میدانیم که هرگاه ای نفی در کوسه های شیطانی چنین زیاد و قوی است و انسان خیال با ف و خیال پرور است. در عالم خیال هر کاری که بچسبند با شد برای او

دلپذیر و در با است. در آن بنده دل و دگرخواه و خیال و تصورات خویش است. چنان که کلمه به همیاجات واقعی خود فکر میکنند بیشتر در عالم خیال می میکنند.

برای ترکیب نفس با آن اول باید تقسیم بگردید پاک زندگی کند. انسان موقعی این تقسیم را میگیرد که نفع خود را در آن ببیند. انسان با ایمان که به خداوند و آخرت و بهشت

و جهنم ایمان دارد نفع خود را در این می بیند که پاک زندگی کند به لذت های مشروع که خارج از حساب و شکر دل است تابع با شد و حقوق دیگران تجاوز نکند. و میدانند اگر در یک شتر

از عوم و صرزد عا مشغل داد با شد میوه اند چنین بیشتر از آنچه برای رسیدن به این لذت لازم دارد برسد. (بشرط آنکه هر خیال با فی باشد). آنگاه باید بدان همیشه این تقسیم خود را به یاد

داشته باشد خداوند برای این یاد آمدی دو وسیله را به است آن داده یکی نماز یکی ذکر (یعنی یاد خدا بودن) تا آنگاه انسان باید اراده ای قوی برای عملی کردن این فکر داشته باشد

خداوند برای ای کار یک ماه روزگرفتن را برسان آن وجه کرده تا با طبیعت قریب و ضروری ترین خواست های خود مبارزه کند تا بتواند حدودی خواست های غیر طبیعی یا غیر ضروری خود را بستاند.

و با این باید از لذت و بر خاست پاک فی در کار بکارهای بد دور می کند خود را می کند. خداوند برای ای کار مسجرا قرار داده که افراد با ایمانی که میخواهند پاک باشند در آن جمع شوند.

آشنائی با قرآن ۶۷

بماز:

خداوند در آیه ۴۵ عنکبوت سوره ۲۹ میفرماید

أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَحْمِ الصَّلَاةَ
إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ

آنچه از قرآن بتو وحی شده بخوان و نماز را بجا دار؛
چون نماز از کارهای زشت و ناپسند جلوگیری میکند؛
و سزاوارتر خداوند (الله) بزرگتر است.

در صلوة (نماز) ۶۸ بار و جمع آن صلوات ۵ بار در قرآن آمده است. ۲۷ بار صلوة (نماز) در کنار زکات ذکر شده که ۸ بار آن بصورت فرمان
اقیموا الصلوة و اتوا الزکوة « نماز را برپا دارید و زکات بدهید » آمده است و ۷ بار با اتفاق (خروج کردن در راه خداوند) آمده است.

امام باقر ع در حدیث ۲ ص ۱۱ ج ۱۱ حدیث ۱۱۱۱ (کتاب زکوة) میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ فَوَنَ الْزَكَاةَ بِالصَّلَاةِ؛ تَقَالَ: «اقِيمُوا الصَّلَاةَ»

«اتوا الزکوة» فَمِنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يَبْتِ الزَّكَاةَ فَكَأَنَّهُ لَمْ يَقُمْ الصَّلَاةَ. «اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ زَكَاتُ رَاكِعٍ نَمَازٌ قَرَارٌ لَهُ؛ وَفَرِيضَةٌ «نَمَازٌ بِرِجَالٍ»

د زکات بدهید. بنابراین کسی که نماز را برپا دارد و زکات ندهد مثل این است که نماز هم نخواند است. « چون ایمان و عمل کردن بعضی از احکام و عمل نکردن بعضی از احکام
ایمان نیست و کفر است همانطور که خداوند در آیه ۸۵ بقره میفرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ وَآتَوْهُ قَدْ آمَنُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مِنَ اللَّهِ قِسْمٌ مِّنْهُ

إِلَّا خَرُّوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ. «آیا به قسمی از کتاب ایمان می آید و قسمی را قبول ندارید؟ جزای

کسی از شما که چنین کاری کند در دنیا بخاری است و در آخرت چهار شدیدترین عذاب است. آیه ۳۸ تا ۴۷ سوره بقره ۷ میفرماید:

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ، إِلَّا أَصْحَابَ الْإِيمَانِ، فِي سَبَابٍ يَنْسَوْنَ ذُنُوبَهُمْ، إِنَّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ فِي سَعْيِهِمْ وَهُمْ يَسْتَعِينُونَ، قَالُوا لِمَ نَكُ مِنَ

المصلين، ولم نك نطعم المسكين، ولنا نجوس مع النجاصين، ولنا نكذب يوم الدين، حمى آيتنا اليقين. «هر کسی بود که ایمان نداشت

غیر از اصحاب خوشبخت نیست که در بهشت هستند و از گناهکاران سؤال میکنند که چه چیزی شما را به جهنم برد؟ آنها میگویند: ما نماز نمیخوانیم و با افراد سیه
غذا نمیداریم و با افرادی که غرق در افکار باطل بودند بودیم (سخن بازی میکردیم) و شکر روز قیامت بودیم تا موقعی که یقین برای ما حاصل شد.

خداوند در آیه ۱۴ طه سوره ۲۰ موسی ع میفرماید: **يَا أَيُّهَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**. «من الله هستم. معبودی (کسی که)
بنده و مطیع بدن چون و چوای او باشی و در مقابلش احساس دلبستگی کنی (غیر از من وجود ندارد). بنابراین فقط بنده کن مرا کن و نماز را برای اینکه یاد من
باشی برپا دار.» آیه ۳۱ و ۳۲ روم سوره ۳۰ میفرماید: «براه. خدا برگزید و از ما فرمائی او اجتناب کنید و نماز را برپا دارید و از مشرکین که دینشان را فرقه فرقه کردند
دور داشته بود و میگفتند (ما نباشید که هر گناه آنجا عقاید خود را نخواستند).» آیه ۴۲ انعام سوره ۴ میفرماید: **إِنَّ الْمُنَافِقِينَ كَانُوا كَذِبًا** و **وَإِذَا دُعُوا إِلَى الصَّلَاةِ فَعَامُوا كَالْأَكْمَامِ**. «از مردمانی بعهده خودشان که الله را فریب میدهند در صورتیکه
خدا آنها را فریب داده (و چاره اشتبا، سختم) وقتی به نماز برمیخیزند با بی میلی برمیخیزند. در مقابل مردم خود نمائی میکنند. (ظاهر به دینداری میکنند) و جز مقدار کمی خداوند
را یاد نمیکنند.» آیه ۱۹ تا ۲۳ معارج سوره ۷۰ میفرماید: **إِنَّ الدِّانَ خِرَانٌ مَهْلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جُرُوعًا، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَمْنُوعًا، إِلَّا الْمَصْلُوعَ**.

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَاعُونَ. «اینان عریص و بی تاب آفریده شده. وقتی تشری به او برسد بی تابی میکند. وقتی خیری به او برسد از بسند آن بد بگروان
خود داری میکند؛ مگر نماز گزاران که پیوسته نمازشان را میخوانند.» آیه ۱ تا ۷ ماعون سوره ۶۷ میفرماید: **قَوْلِ الْمَصْلُوعِ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ**
الَّذِينَ يَرَاؤُنَ. «داری بر نماز گزارانی که (از نماز خود غفلت میکنند و نماز را برپا (برای دیدن مردم) میخوانند).» آیه ۱ تا ۳ انعام سوره ۴ میفرماید: **فَإِذَا انصَبْتُمْ
الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا لِلَّهِ فَمَا دَعُوا عَلَىٰ جُنُوبِكُمْ. فَإِذَا طَأْتُمْ فَاقِمُوا الصَّلَاةَ. إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْثُومًا**. «وقتی در جنبه

جیب نماز داشته بخوارید الله را ایستاده داشته و یک پهلو دراز کشیده ذکر کنید. وقتی اطمینان در آرایش پیدا کردید نماز را برپا دارید. چون نماز در وقت نامی معین
خود بر افراد با ایمان واجب شده است.» آیه ۲۳۸ و ۲۳۹ بقره سوره ۲ میفرماید: **حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ، وَتَمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ. فَإِنْ
خِفْتُمْ فِرْجَالَ بِيَدِكُمْ فَأُولَٰئِكَ لِيَوْمَ تَأْتُوا فِي الْحَمِيمِ كَالَّذِينَ قَالُوا لِلَّهِ مَا لَنَا عِلْمٌ حَتَّىٰ نَقُولُوا الْعَمَلُونَ**. «مراطلب نماز و نماز میانه باشد. و برای الله با فروتنی برنیزید. اگر چاره
ترس هستید یا پاره یا پاره نماز بخوانید. وقتی امنیت پیدا کردید الله را باها نظور که بر شما یاد داده شده و دشمنان را نمیدانستید ذکر کنید.» آیه ۱ تا ۱۰ بقره سوره ۲ میفرماید
«وقتی سفر میکنید و میترسید که افراد بی ایمان صدقه ای بر شما نزنند (تکالی ندارد) که (از نماز خود کم کنید. چون افرادی بی ایمان دشمن شما هستند.»

آشنائی با قرآن ۹۸

خداوند در آیه ۸۳ تا ۸۷ بقره میفرماید:

لَفَنه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَتَبِ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ،
كَمَا لَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.

ای افراد با ایمان روزه بر شما واجب شد،

همانطور که بر کسی که قبل از شما بودند واجب شده بود ماسط بر نفس شوید.

می بینیم که خداوند در این آیه که بعد از مهاجرت پیغمبر از مکه به مدینه نازل شده روزه را بر مسلمانان واجب کرده و علت آن را مسط شدن بر نفس (تقوی)

بیان کرده. تقوی نگهداری و حفظ کردن خود یا تسلط بر نفس است. خداوند در آیه ۱-۲ بقره در مورد کلماتی افراد با ایمان میفرماید: **مِثْمُ مِنْ يَقُولُ رَبَّنَا**

اِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَّ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَّ قِنَا عَذَابَ النَّارِ. «عنه ای از مردم (افراد با ایمان) میگویند: صعب (صیتر) را در دنیا و آخرت وضع

خوبی بماند و ما را از عذاب آتش جهنم حفظ فرماید.» می بینیم که این کلماتی است که به آخرت و بهشت دوزخ ایمان دارند. **قِنَا** «ما را حفظ کن» از دو

کلمه «ق» و «نا» تشکیل شده «ق» فعل امر و تقاضا پیشنها است یعنی «حفظ کن» و «نا» معقول آن است یعنی «ما را» همانطور که در آیه ۱ و ۲ تحریم بر

ع میفرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِبُوا نَارًا أَكْبَرُ مِنْ نَارِهَا النَّاسُ وَالْجِبَالُ.** «ای افراد با ایمان خودمان و خانواده مان را از آتشی که

سوزت آن نشان دادند است حفظ کنید.» مسلمان با تمرین یک ماهه روزه در ماه رمضان که از پیدایش سپیده صبح تا پیدایش سیاهی شب در ماه رمضان است

خوردن و نوشیدن و معاشرت خودداری میکند با طبیعی ترین خواننده ای بدن خود مبارزه میکند تا تسلط نفس لازم را برای جلوگیری از خواننده ای بیجا و غیر ضروری بد

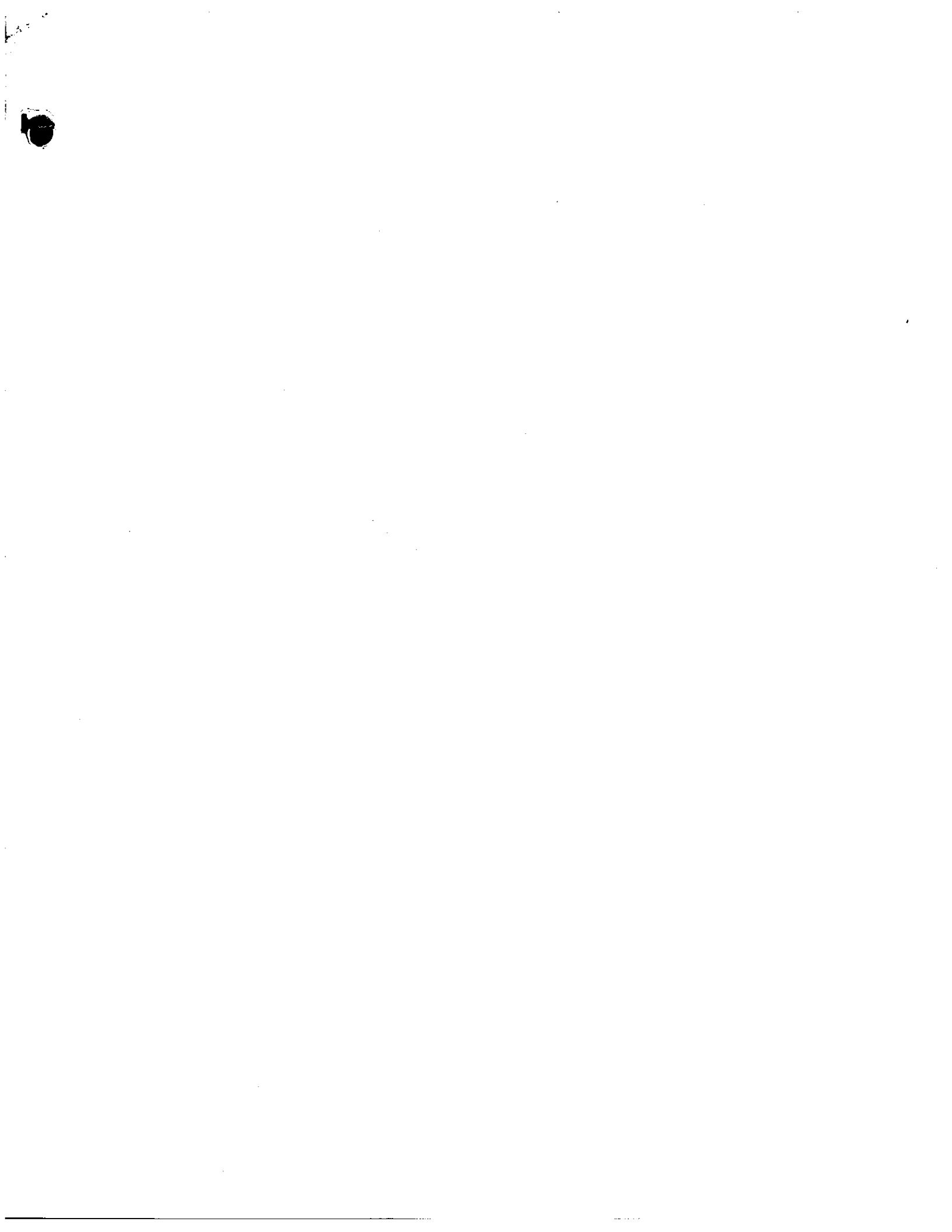
خداوند در آیه ۱۸۷ بقره میفرماید:

بیدانند چون:

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّغَيْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ. هُنَّ لِيَابِسٌ لَكُمْ، وَأَنْتُمْ لِيَابِسٌ لِهِنَّ، عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ لَنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ،

فَبَابِ عَلَيْكُمْ وَعَمَّا عَمَّكُمْ؛ فَالآن بَأَشْرِدْهُنَّ وَأَبْتِغُوا مَا لَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ؛ وَكَلُوا وَأَشْرِبُوا حَتَّى يَبَيِّنَ لَكُمْ الْحَبْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ

الْحَبْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ؛ ثُمَّ أَمْرُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ. وَلَا بَأَشْرِدْهُنَّ وَأَنْتُمْ عَالِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ.



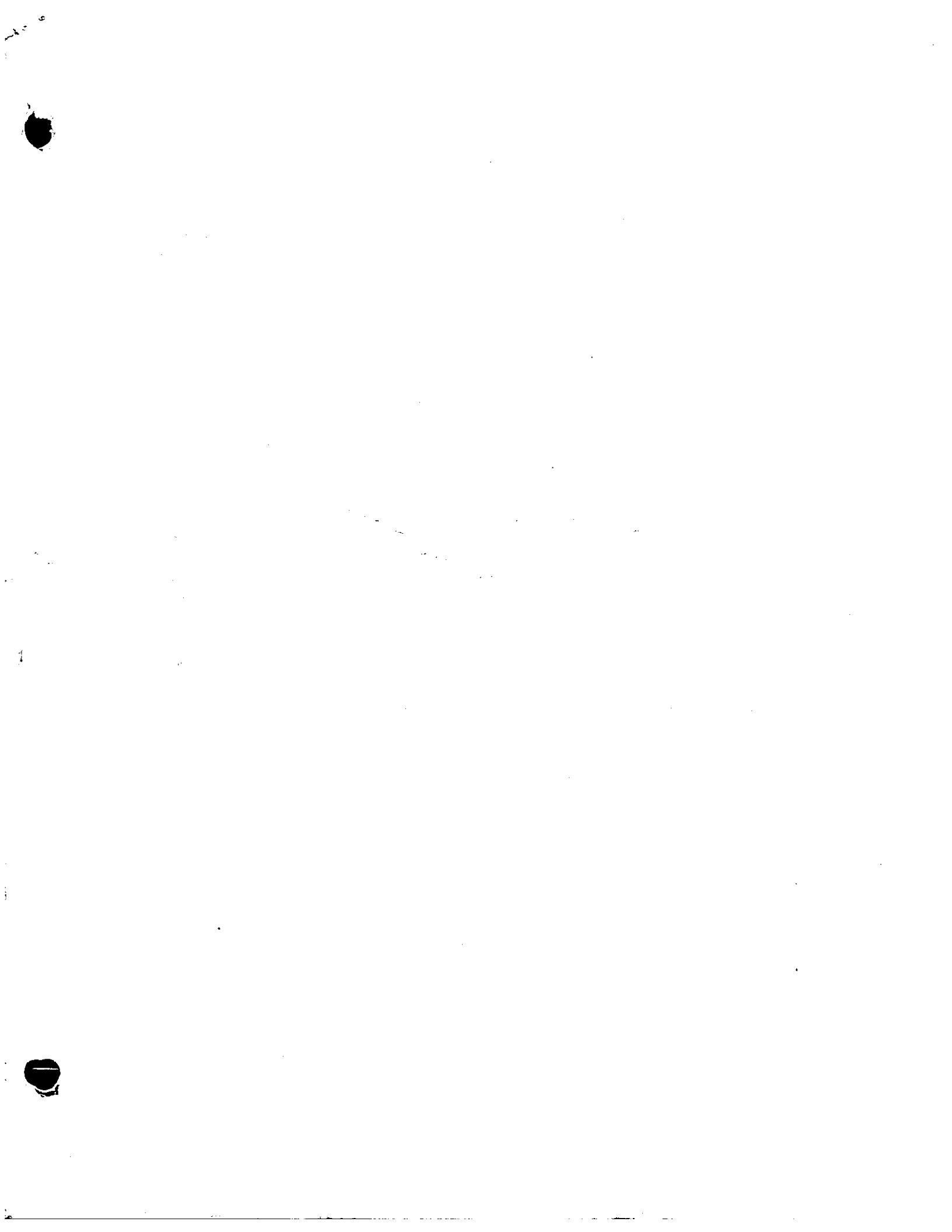
ماه رمضان همچو انگلی بازمانشان برای شاحل شده (یعنی روزه جایز و سهل نیست). آنها لباس (پوشش) شاد و شام لباس آنها هستند برای هم و تکبیل خانواده ساخته شده ایما الله میدانت که شایخ بدان حیانت میگوید (معتبر استید جلوی خود را بگیرد) لذا بازگشت (توبه) شایخ پذیرفت و شمار بخشید. بنابراین حالات با بازمانشان همچو انگلی کینه و آنچه خداوند برای شما نوشته بگویند؛ و بخورید و بنوشید تا موقعی که خط سفید سپیده دم از خط سیاه شب (در افق شرق) پیدا شود. بعد روزه را نامشب (پیدایشن سیاهی شب در افق شرق) ادامه دهید و کامل کنید؛ و در صورتیکه برای عبادت ساکن مسجد شده اید شبها هم از همچو انگلی بازمانشان خود داری کنید.

می بینیم که روزه نخوردن و نیایش میدان و همچو انگلی نکردن بازمان در طول مدت روزه از پیدایش سپیده سحری تا پیدایشن سیاهی شب در افق شرق در ماه رمضان است چون خداوند در آیه ۱۸۵ بقره میفرماید:

شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن، هدى للناس و بينات من الهدى والفرقان؛ فمن شهد منكم الشهر فليصمه. ومن كان مريضا أو على سفر فعدة من أيام أخر. يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر، ولتتموا العدة، ولتكبروا الله على ما يدرككم، ولتعلموا شكره. ماه روزه گرفتن و ماه رمضان است که قرآن که راهنای مردم در دین است را روشن کرد و هدایت و جبر الکنده حق را باطل است در آن نازل شده؛ بنابراین هر کس از شاکت هر ماه بود در سفر نبود باید روزه بگیرد. و کسی که مریض یا در حین سفر بود باید (روزه خود را بخورد) و از روزهای دیگر سال بجای آن روز بگیرد. الله برای شما آسانی را میخواهد سختی را برای شما نمیخواهد، و برای اینکه عده روزه های ماه رمضان را کامل کنید، و الله را برای اینکه شما هدایت کرده تکبیر بگویند (بزرگ سازید) و برای اینکه سپاسگزاری خداوند را بکنید.

خداوند در آیه ۱۸۴ بقره میفرماید:

أيا ما تعدوا به، فمن كان منكم مريضا أو على سفر فعدة من أيام أخر. وعلى الذين يطيقونه فدية طعام مسكين. فمن تطوع خيرا فهو خير له، وإن كنتم تعلمون. روزه روزهای معینی است (باندازه روزهای ماه رمضان). بنابراین اگر کسی از شما مریض یا در حین سفر بود بجای آن از روزهای دیگر روزه بگیرد. کینه طاقت دارد بجای آن باید یک فقیر تمییزت را بریزد. کسی که میل به بیکی (بزرگ کردن فقیر) داشته باشد برای او خوب است و اگر از حقیقت اطوع ثواب باشد روزه گرفتن برای شما بهتر است. «الطریقون مطابق کتاب لغت و حدیث طاقت روشن است» (این تکرار فقط متعلق به روزهای یعنی یا سفر است).



آشنائی با قرآن ۶۹

مسجد :

خداوند در آیه ۸، ۱۰ و ۱۱ سوره ۹ میفرماید:

لَسِبْدُ أُسْسٍ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَدَلِّ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ
فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّخِذُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ

بدون شک سزاوار است در مسجدی که از روز اول بر پایه تقوی بنا شده به نماز بایستی.

مردانی در آن هستند که روست دارند پاک باشند، و الله پاکان را دوست دارد.

سمان واقعی در مسجدی نماز میخواند که محل تجمع افرادی است که میخواهند پاک باشند. همچنین با چنین افرادی حس تقوی و تسلط بنفس و خواهان پاک بودن در آن زندگانه و تقویت میکند. چون «خوبدیر است نفس ابانی» «با بدان کم نشین که صحبت بد کج پاک تو را بپایند کند.» این آیه در آیه ۷، ۸ و ۹ سوره که خداوند در آن میفرماید:

إِنَّمَا يَتُخَذُوا مَسْجِدًا وَكُنُوزًا وَكِرَامًا قَرِيبًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَارِضَاءًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ، وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى، وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ، لَأَتَمُّ فِيهِ آدَاءُ. «افرادی که برای ضرر زدن، کفر و تفرقه انداختن بین افراد با ایمان دوست

کردند تا کینگی برای افرادی که قبل با الله دشمنی میکنند زده باشند قسم میخورند که نظرشان خیر است، در حالی که الله شهادت میدهد که آنها دروغ میگویند، هیچگاه در آن مسجد نماز نخوان.» چون باعث تفرقه مسلمانان خواهد بود. آیه ۱۸ جن سوره ۷۲ میفرماید: وَإِنَّ الْمَاجِدِلَةَ لَأَكْثَرُ

مَعَ اللَّهِ أَحَدًا. «مسجد با مال خدا است و به خدا اختصاص دارد؛ بنابراین هیچکس را با خدا نخواهید.» چون آیه ۳ تا ۶، ۱۰، ۱۱ سوره ۱۰ میفرماید: قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ رَبِّي، فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ لَكُنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَقَّعُ مِنْكُمْ وَأَمْرًا

أَنَّ الْوَلْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. «بگو ای مردم اگر در مورد دین من دچار شک هستید، بدانید که من بندگی کسی را که غیر از الله بندگی میکنند نمیکنم. بندگان الله (خداوند) را میکنم که جهان شمار میکنند؛ و بمن دستور داده شده که از افراد با ایمان باشم. وَإِنَّ أَقْرَبَ وَجْهٍ لِلرَّبِّ حِصْفًا وَلَا تَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ و بمن دستور داده شده

که به آیین توحید رو آورم و از افرادی که مشرک هستند کس دیگری را کنار خدا قرار میدهند) باشم. وَلَا تَكُنْ مِنَ الظَّالِمِينَ. و کسی را که نفع و ضرری برای من ندارد با الله به گت نخواهم چون اگر چنین کاری کنم از شما که ایمان دارید.» فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ.

آیه ۱۱۴ بقره میفرماید: **مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمَهُ وَرُحْمَتُهُ فِي خُرَابِهَا؟** «چه کسی ظلم تر از کسی است که مردم را از اینده نام

خداوند در آن ذکر شود منع میگذرد معنی در خرابی آنها میکند؟ آیه ۲۹ اعراف بره ۷ میفرماید: **قُلْ أُمِرْتُ بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**

وَأَرْحَمُوهُ خَلْفَهُ يَنْ كُذِّبُوا «بگو صاحب اختیار من دستور به اجرای عدالت داده و در هر نماز در هر مسجدی رو به آورید و در حالی که دین را خالص میکنید دعا

کنید (اورا به کمک بخوانید) ۱۲۰ آیه ۳۱ اعراف میفرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسِكُوا ظُفُوفَ رِجَالِكُمْ إِلَى الْكَلْبِطِ وَالرِّجَالِ عِزِيقًا بِمَسَاجِدِكُمْ كَمَا حَمَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ إِزِينَ الْمَسْجِدِ وَالْمَسْجِدِ الْمَقَامِ** «ای فرزندان آدم موقع نماز در هر مسجدی با لباس مرتب

باشید ۱۲۰ آیه آراسته باشید. مسجد یعنی «محل سجد» و «زمان سجد» مسلمانان فقط در مقابل خداوند حس و ابراز کوچکی میکنند و هنگام می افتند و ابراز کوچکی میکنند

مسجد برای این است که کسی که «میخواهد زیاده را ببرد» در آن جمع شود و باید آن هم و تعداد هم فکر آن خود نیروی بیشتری حس کنند و در ادامه در اجزای تقسیم خود

مستقیم تر شوند و از خداوند خود بخوانند که راه راست را به آنان نشان دهد و فهمد کند که فقط فقط بندگی یعنی اطاعت محض اوست و میگوید «در هر زمان یا کسی که بر

خلاف فرمان او دستور می دهد اطاعت نمیکنند. امامت را همان در اثر انحراف دین که از ترس در زندان و بیست دکانداران دینی صورت گرفته مسجد حالت خود را

از دست داده ۱۰ این وظیفه مسلمانان واقعی است که با حضور خود در مساجد در آبادانی آن بکوشند و با طرح آیات قرآن مردم را متوجه سخنانی که در نماز خود میگویند

بکنند و به آنها بفهمانند که وقتی میگویند **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ** باید سعی کنند دنیا بی بازنند که در آن «مدح و ثنا در مقابل فقط فقط مخصوص به خداوند داشته باشد. این

باید اصلی و مدح سرانی می شود از آن «مدح و ثنا نگوید و بستانند و وقتی میگویند **إِنَّا نَعْبُدُكَ وَنَعْبُدُ آبَاءَنَا** که به خداوند میگویند: «فقط و فقط تو را

بندگی یعنی اطاعت محض دینی چون و چرا میکنیم فقط در مقابل تو خود را کوچک میدانیم و اظهار کوچکی میکنیم» و این فهمی است که هر روز تکرار میکنند و وظیفه دارند که

دنیا بی بازنند که در آن آن «فقط و فقط در مقابل خداوند حس و ابراز کوچکی کنند و فقط از تو این خداوندی بیرونی کنند و از هر دستوری که از مقامی دست زبانی

برخلاف فرمان خداوند صادر شود پیروی و اطاعت نکنند و برانند اینکار جز با تمام بندگان درستی واقعی و اصلاح طلبان حقیقی و کوشش در این راه محلی نیست

آیه ۱۸ اعراف بره ۹ میفرماید: **إِنَّمَا يُعْرَفُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ، وَلَمْ يَحْشَ إِلَى اللَّهِ،**

فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ «مسجد را فقط کسی آباد میکند که ایمان به الله و روز آخرت داشته باشد و نماز را بپارند و زکات

دهند، از هیچ کس غیر از الله ترسند. چه بسیار امکان دارد که چنین افرادی از هدایت شده ان باشند ۱۲۰ آیه کسی که مسجدی را آباد میکنند که ایمان به

الله و روز آخرت داشته باشند و بدانند روز جزا پیش است و کسی در آن روز مستحضر است که حکام خدا را انجام داده باشند و با مال جان خود در راه رضایت دنیا یا کس

آشنائی با قرآن ۷۰

جمعیت:

خداوند در آیه ۴۳ بقره سوره ۲ میفرماید:

أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَادْعُوا إِلَىٰ الرِّبَاةِ

نماز را با دارید زکات بدهید و بارگوش برودید

خداوند در این آیه دستور نماز جماعت را میدهد. نماز جماعت غیر از همفکری و همکاری نشانه ها هکتی مسلمانان در کنار و همبستگی آنان است چون نماز گفتن قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ «نماز برپا شد» همه برپا میخیزند و با گفتن اللَّهُ الْبَرُّ الْبَرُّ بِتَبِيْرَةِ الْأَحْرَامِ یعنی اللَّهُ الْبَرُّ الْبَرُّ تَبِيْرَةُ الْأَحْرَامِ و نماز را شروع میکنند و در تمام کارها خود را با تمام جماعت هماهنگ میکنند و با هم با گفتن سلام و اللَّهُ الْبَرُّ نماز را تمام میکنند. این هماهنگی را در روزه و نماز و حج نیز می بینیم. این همفکری و همکاری و هماهنگی برای پیشبردین و عملی شدن بین در برابر جهان شرط لازم و کافی است. چون همانطور که طی این ۷۰ بکت دیدیم دین بخوبی دنیائی بسز که در آن اثری از ظلم و فساد و جمل و خرد شدن شخصیت انسان نباشد و مسلمانان باید در راه حق چنین دنیائی متوجه آید اما در جهان خود جهاد و کوشش کنند و از هرگونه تفرقه و خرد شدن در این راه بگریزانند و در خیرات برپا می آید از دنیا از آن باید مطابق کتاب الهی خود عمل کنند و در پیشی گرفتن در کارهای خیر با هم مسابقه دهند و دیگران را با خود آنگاه از زمین بکنار و با بهترین روش به همکاری در این راه و حرکت کنند و نیز در لازم را با اتحاد خود با تمام دنیا از آن جهان فراهم کنند تا بتوانند با قدرت تمام از ظلم و فساد و خرد شدن شخصیت انسان جلوگیری کنند و توجیه داشته باشند که انسان طبیعتاً موجود زنده ای با تمام غرائز حیوانی است که می خواهد هر کاری که در خواست میکند و هر دستوری که دارد مطابق میلش عملی شود. آنان که قدرت یافته و دارند این نوعی انسانی را نشان داده اند و می دهند. لذا بدون توجه به چنین نشان ها به این اصل باسی جاهلند. کاری نمیکند که آخر کار از کرده خود پشیمان شوند چون «خداوند در وضع قومی را تغییر میدهد هرگز اینده خود آن قوم طرز فکر و رفتار و کار خود را عوض نکنند» لذا میدانند باید با تفاق تمام دنیا از آن عالم دست بپوشند و هم دهند و دنیای پاکتی که دین می خواهد بسازد و برای اینکه باید بدشان این باشد که تمام افراد را متوجه این هدف کنند و ارزش اینکار را به آنها خاطرن کنند و با تفاق هم در تزکیه نفس عاقلانه بکوشند و طبیعت حیوانی آن حقایق جهان را به آنها بیفزایند. البته جماعتی که برای چنین دنیائی لازم است امکانات و موانع اینکار را باید آوری کنند و افراد را از تنگنای های جاهلانه باز دارند. در این کوشش و جهاد این مبارزه باید ارزش همفکری و همکاری و هماهنگی را از یاد نبرند و هدف را با طرز خیرات فدا کنند و تا به گشته را فقط درس عبرتی برای جلوگیری از تباهاست آینه بررسی کنند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَفَرِّدُوا الْبَيْعَ

ای افراد با ایمان وقتی برای نماز جمعه داده شد به ذکر خداوند (الله) شتابید و خرید و فروش را رها کنید.

نماز جمعه نمایش باشکوه هفتگی مسلمانان است که هم همفکری هم همکاری هم هماهنگی آنان را به بهترین وجه نشان میدهد. از یکطرف مسلمانان را متحد میسازد که کئی که میخواهند یک دنیای پاک بسازند در اجتماع کم نیستند. و از طرف دیگر، دیگران را متوجه تعداد آنها در روح همفکری و همکاری و هماهنگی آنها میسازد و کئی را که امید سخن یک دنیای پاک را ندارند امیدوار میکند تا نصف آنان پیوندند در نماز جمعه و خطبه (دو سخنرانی) توسط امام جمعه صورت بگیرد گزارش هفتگی از وضع مسلمانان و وظایفی که در پیش دارند برای آنها شرح داده میشود. این دو خطبه بجای دو رکعت نماز است. اگر مسلمانان واقعا با قرآن آشنا باشند و با هدف دین و وظیفه شخصی خود در مقابل آن بایستد در مدت کوتاهی که شاید یک قرن نرسد بتوانند چهره جهان را عوض کنند. دلی متأسفانه اسلام نیز مثل ایران دیگر بصورت شرفیات خشکی درآمده که بیشتر آنها با روح و تقالیم اسلام مغایرت دارد و برخلاف اسلام و هدف و تقالیم واقعی اسلام است. اگر اسلام دین فریاد بود لزومی نداشت که مردم در کنار هم نماز جماعت و نماز جمعه بجا آورند. در کج خانه توجه بیشتری میتوانستند به خداوند و نماز خود داشته باشند.

خداوند در باره مجمع سالانه مسلمانان در آیه ۹۷ آل عمران میفرماید:

لِللَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا

حج خانه کعبه برای خدا، بر کسی که توانائی رفتن به آن را دارد واجب است.

در اسلام حج مسلمانان از سر امر دنیا با رنگها و نژادها و ملیت و زبان و لهجه های گوناگون در روزهای معینی در هم جمع میشوند و با همفکری و همکاری و هماهنگی کامل کارائی را انجام میدهند. اگر این سیل عظیم انسانی از هدف دین اطلاع داشتند و میدانستند چه میخواهند و این نمایش باشکوه برای چیست قرن ها پیش ریشه نظم و فساد و جهل و فقر و خرد شدن شخصیت انسان ها کشته شده بود ولی از یکطرف خودخواهی قدرتمندان و از یکطرف خود فریبی دین فروشی از یکطرف جهل عام مردم از دیگران جلوگیری کرد مسلمانان واقعی که دین واقعی و هدف عالی آن را میدانند باید با آگاه سخن و متحد کردن تمام دینداران عالم دنیای پاک که دین میخواهد بسازند

آشنائی با قرآن ۷۱

خداوند در آیه ۲۱ اعراب سوره ۳۳ میفرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...

برای کسی که از شما که امید به الله در روز آخرت دارند در طرز کار پیغمبر خدا بهترین مرشقی وجود دارد.

پیغمبر ص کا خود را در محیط شرک آلود عربستان از صفر شروع کرد و قدم به قدم پیش رفت و تمام مخالفت ها و ناراحتی ها را تحمل نمود و وقتی از دیار رفت از تمام خانه ها

خبرهای چادر نشینان صدای لا اله الا الله، محمد رسول الله بلند بود. این مرشقی نبود در طرز مبارزات و استقامت پیغمبر ص بود چون از آیه ۹ سوره اعراب

دوباره بجنب اعراب محبت میکند و منزلت شدن افراد با ایمان و تسبیح با شکی میماند و کار منافقان سخن میگوید. در آیه ۲۰ تا ۲۲ اعراب میفرماید:

«خیال میکنند که دستجاتی (که برای جنگ آمده بودند) هنوز زنده اند» و اگر این دستجات دوباره بیایند دست دارند که در میان صحرا بین چادر نشینان

باشند و اخبار شمار از دیگران پرسند. اگر در بین شما بود جزئی در جنب شرکت نمیکردند. برای کسی که امید به الله در روز آخرت دارند و الله را

زیادتر میکنند در طرز کار پیغمبر خدا مرشقی وجود دارد. افراد با ایمان وقتی اعراب را دیدند گفتند این همان چیزی است که الله و پیغمبر ص به ما

دعوه میدادند. الله و پیغمبر ص راست میگفتند و ایما فقط برای ایمان و تسلیم آنها اضافه کرد. «این مرشقی همانطور که می بینیم در استقامت و روشن پیغمبر

در مبارزاتش میباشد و در پشت کوفت و خوراک و تنه از زسب او نمیباشد. میدانیم که خداوند در این مبارزات راههای پیغمبر بود.

مسلمان واقعی از استقامت و طرز مبارزه پیغمبر ص مرشقی میگیرد و در هر زمانی حساب موقعیت و امکانات و موانع خود و مسلمانان را میکند و برای یل

«گترش» دین در جهان اقدام میکند و از زسب امراضی که در اختیار دارد کاملاً استفاده میکند سعی میکند بایستادگی و آگاه سازی دیگران آنها را بقرص خشن

یک دنیای پاک بیندازد و آنها را متوجه زد که بدون تفکری و همکاری و همکاری خشن یک دنیای پاک امکان ندارد و این تفکری فقط درباره هدف باید

باشد نه در جزئیات. چون هیچ دنیای در جهان وجود ندارد که در کلیه جزئیات مثل هم فکر کنند. و آدمی عاقل هدف بزرگترین یعنی خشن یک دنیای

ک راههای جزئیات نمیکند. چون خداوند دانا و حکیم در آیه ۱۱۸ تا ۱۱۹ سوره ۱۱ میفرماید: لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً. وَلَا يَزَالُ

مُخْتَلِفِينَ. اللَّهُمَّ رَحِمَ رَحْمَتِكَ. وَلِذَلِكَ خَلَقْتَهُمْ. اِنَّكُمْ لَمُعْتَدُونَ. ولى مردم را يك امت ميست. ولى مردم هميشه با هم اخذ نظر دارند.

جزاى كنى كه صاحب خيانت به آنها رحم كرده باشد. و آنها را براى همان آفريده است. چون بيان قدرت فهم دشور داده است و اين فهم دشور مطابق جزاى

دست كه مى بيند، ميشنود، ميشنود، ميشنود، بويكش و بدغش ميرسد و لمس ميكند و تصور اتي است كه ميكند. و چون اينج دو لغزى در جهان وجود ندارد كه تمام چيز را

مثل هم دیده و شنیده و خوانده و چشیده و بوئیده و لمس کرده باشند و در باره آنها فكر و تصور كرده باشند همه با هم اخذ نظر دارند. لذا مسلمان واقعى ميدانند بايد در حرف

اصلى دين يعنى سخن يك دينى با يك با هم همفكرى داشته و همكارى داشته و همفكرى كنند. چون قرآن در آيه ۴۸ مانده سوره ميفرايد: لَعَلَّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرَكَاءَ و

مِنْهَا جَاءَ. وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً. وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَيْتُمُوهَا. « خداوند براى پروردگار شما بوديان و همچنان و مسلمانان راه درسمى

قرار داده است. اگر خدا ميخواست شما را امت واحدى ميكرد، ولى میخوايد شما را در همان جزاى كه بشمارده آنگاه كند (يهوديان را با تورات همچنان را با انجيل و مسلمانان را با

قرآن) بنا بر اين در كارهاى خير با هم سلفه بدهيد و از هم جلو بزنيد. « ميدانيم كه شراب در سال آخر عمر پيغمبر « پيغمبر و عمل شيطاني » موفى شده و مسلمانان

موظف به اجتناب از مشروبات خجاري شدند. چون آيه ۸۹ آورده كه آخزين آورده اى است كه پيغمبر وحى شده اين دستور را ميدهد و ميدهيم دستور و صور در آيه ۶ آورده

مانده آمده است يعنى دستور و صور در سال آخر عمر پيغمبر نازل شده و مسلمانان موظف به دستور گرفتن شدند. حال نگاه كنيد كه در باره آن چه جنابى به راه انداخته

مسلمانان را از هم جدا دشمن هم كرده اند در صورتيكه خداوند در اين آيه ميفرايد: مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ، وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ... « الله

تخيوايد براى شما درد مبروشه نكند بلكه ميخوايد شما را تميز دياك كند... » خداوند در مکه نه دستور (مجمع عرف و نهي) از منكر دادن دستور جدا و نه دستور روزه اينها

بسيارى از احكام در دين پس از اينكه دولت شهر اسلامى بوجود آمده داده ميدانيم كه در مکه خداوند در دوره كافرون سوره ۱۰۹ ميفرايد: يا ايها الذين آمنوا

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الذِّكْرُ عَلَى دِينِ. « دين شما براى شما و دين من براى من » دلى آنها دست بردار نبودند. ميدانيم كه پيغمبر پس از ورود ب مکه با يهوديان پيمان بست

كه مزام هم نشوند و در دفاع از دينيه هم شريك كنند. و اين پيمان را با يهوديان نشكستند و پيغمبر منقسم دشت. ميدانيم كه در سال ششم هجرت پيغمبر منقسم با مشركين

مکه پيمان بست كه تا ده سال مزام هم نشوند و بديگران عليه يديگر مکه نكنند. و پيغمبر منقسم احترام اين پيمان را داشت تا وقتى كه مشركان پيمان شكستى كردند.

مسلمان ميدانند در جاهى كه مسلمانان در اقليت هستند بخيوندانند حكم جوكبرى از مشركان بخاري و مشركان سفروشى را اجرا كنند يا دزد و مفسد من را كه با ع

آلودگى اجتماع هستند مجازات كنند مسلمانان واقعى ميدانند با مشركين سخن مسلمانان و تمام دينداران در صلاح طبقات واقعى جهان بايد يك دينى با يك با يك با يك

آشنائی با قرآن ۷۳

اسلام:

اسلام یعنی خود را تسلیم خدا کردن.

خداوند در آیه ۱۱۲ بقره سوره ۲ قرآن میفرماید:

بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ، فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ، وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

«آری کسی که خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداشش بیش صاحب خبیثان محفوظ است نه ترسش دارد نه غصه‌ای.»

می بینیم که اسلام در اصطلاح دین خود را تسلیم خدا کردن (یعنی تسلیم خدا شدن) است. اسلام یک حرف نیست اسلام عمل است نه ادعا.

خداوند در آیه ۲۲ لقمان سوره ۳۱ قرآن میفرماید:

مَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ، فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ.

«کسی که خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد به دستاورد محکم چسبیده.»

خداوند در آیه ۳۴ حج سوره ۲۲ قرآن میفرماید:

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ، فَلَهُ اسْلِمُوا، وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ.

«معبود شما معبود یگانه‌ای است. بنا بر این تسلیم او باشید. و به افرادی که نیکوکارند بشارت بده.»

خداوند در آیه ۸۳ آل عمران سوره ۳ میفرماید:

«أَفَتَعْبُدُونَ لِلَّهِ يَبْعُونَ؟ دَلَّةُ اسْلِمَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا، وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.»

«آیا دنبال دینی غیر از دین خدا میگردید؟»

در صورتیکه تمام کفری که در آسمانها و زمین هستند با میل یا بدون میل تسلیم او هستند، پیش او برگردانده میشوند.

همه خواه ناخواه مطابق میل و اراده خداوند کار میکنند. چون تمام قوانین جهان مطابق میل و اراده خداوند در جهان گذاشته شده. اگر کسی میگوید مطابق اراده

خواست خداوند است. چون او این خاصیت را بلیا دارد. اگر خورشید میخواست مطابق اراده خداوند است چون او خاصیت خورشید را به چیزی که منتسب است و

و میز داده است. اگر آب روان است این خاصیت را او به آب داده است. اگر آن فکر میکند، این قدرت را خداوند به او داده است. اگر آن تقسیم
کاری میگردان این اختیار را خداوند به او داده است. لذا خداوند به این اختیار توانایی فکر کردن و تقسیم گرفتن کردن کاری یا کردن آن را داده و آن را نمی آفریند

خداوند در آیه ۱۲۵ سوره بقره میفرماید:

مَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ؟
«دین چه کسی بهتر از دین کسی است که خود را تسلیم خدا کرد (مؤمن بود)؟»

تمام پیغمبران مسلمان بودند

خداوند در آیه ۱۴ انعام به پیغمبر ص میفرماید:

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَلُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ، وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ.
«ببین دستور داده شده که بیشتر از همه تسلیم خدا باشم و از افراد مشرک نباشم.»

خداوند در آیه ۶۷ آل عمران میفرماید:

لَمَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا، وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا، وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.
«ابراهیم نه یهودی بود نه مسیحی ولی موحد مسلمان بود و مشرک نبود.»

خداوند در آیه ۳۲ بقره میفرماید:

وَصِيَ إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ، يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ، فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ.
«ابراهیم و یعقوب فرزندان را به مسلمان بودن سفارش کردند،
و گفته: فرزندانم، خدا برای شما دین را برگزیده. بنابراین فقط در حال مسلمانان از دنیا بروید.»

نوح و موسی و یونس و عیسی (ع) نیز هکلی مسلمان یعنی تسلیم حکم خداوند بودند. به آیه ۷۲ و ۷۳ بقره، ۱۰۱ یوسف، ۵۲ آل عمران
و ۱۱۱ مائده سوره نگاه کنید.